

گزینه‌های کاخ سفید
برای «ضرب الاجل»
ماه می



اطلاعات روز

ETILAATROZ.COM

سه‌شنبه | ۱۲ حوت ۱۳۹۹ | ۰۲ مارچ ۲۰۲۱ | سال دهم | شماره ۲۱۰۴ | ۸ صفحه

انفجاری در جوزجان
یک کشته و سه زخمی
بر جای گذاشت



صلح افغانستان؛

خلیل زاد با غنی و عبدالله به صورت جداگانه دیدار و گفت‌وگو کرد

اطلاعات روز: ارگ ریاست جمهوری از دیدار
رییس جمهور اشرف غنی با زلمی خلیل زاد،
نماینده‌ی ویژه‌ی امریکا در امور صلح افغانستان...

صفحه ۲

معاون وزارت دفاع؛

طالبان از روند صلح بیشتر از میدان جنگ امتیاز کسب کرده‌اند

صفحه ۲

کابل‌نان؛

وقتی پیرمرد

برای چند افغانی گریست

صفحه ۳

خبرهای پیس‌فول این ماه | طنز



صفحه ۳

یادداشت روز

الزام برخورد قاطع با بازوهای تبلیغی تروریسم

نگرانی حکومت از فعالیت‌های حزب‌التحریر
در افغانستان تازه‌گی ندارد. این نگرانی هنوز
جدی گرفته نشده و برای مبارزه با آن در عمل
تدابیر پیش‌گیرانه سنجیده نشده است. حدود
شش سال پیش داکتر عبدالله عبدالله، رییس
اجرائی آن زمان حکومت وحدت ملی پذیرفته
بود که حزب‌التحریر برای امنیت افغانستان
خطرناک است و این حزب به‌عنوان بازوی
تبلیغی تروریسم عمل می‌کند و از میان جوانان
سربازگیری می‌کند. گفته‌های تازه امرالله صالح،
معاون اول رییس‌جمهور کشور در واقع از
همین قماش است؛ واکنش مقطعی، انفعالی و
نه‌چندان جدی در برابر یک خطر بزرگ. آقای
صالح گفته که حزب‌التحریر در وزارت عدلیه
کشور ثبت نشده و پس از این حق تجمع و
تبلیغ در افغانستان را تا زمان ثبت شدن ندارد.
به‌رغم که این موضع یک واکنش خنثا است،
نوعی عقب‌نشینی حکومت در برابر گروه‌هایی
است که رفتار واضح نظام‌سستیزانه دارند و آشکارا
به‌عنوان بازوی تبلیغی گروه‌های تروریستی در
افغانستان عمل کرده‌اند. دولت افغانستان شش
سال پیش این حزب را رسماً در کنار القاعده،
داعش و طالبان قرار داده بود...

۲

سیکار:

۲,۴ میلیارد دالر در ساخت و تهیه تأسیسات عامه در افغانستان هدر رفته است



۳

یک سالگی
توافق نامه‌ی دوحه؛
«بیش از
۱۵۰۰ غیر نظامی
در افغانستان
کشته شده‌اند»



۲

اولین سخنرانی ترمپ
پس از ترک کاخ سفید؛
انتقاد از سیاست‌های دولت بایدن
و رد تأسیس حزب جدید

اطلاعات روز: دونالد ترمپ، رییس‌جمهور سابق
امریکا، شامگاه یکشنبه برای اولین بار پس از...

۶

وزارت صحت
دلیل فوت کارمند
صحنی در بامیان را
سکته قلبی
اعلام کرد



۲

ترجمه

پدر بدخشانی:

شاهد مردن پسر زیر شکنجه طالبان بودم

غذایی وجود داشته باشد، نان بیات و لوبیای سرد است،
و جای خواب، کف اتاق یا یک تخته فرش کثیف است.
در زندان‌های طالبان خطر مرگ حی و حاضر است. گاهی
فریاد زده می‌شود، گاهی تجربه.
ملک محمدی، کشاورز ۶۰ ساله با طبعی آرام...

فیض‌آباد، بدخشان - خرابه‌ها، غارها، زیرزمینی‌های
کثیف خانه‌های متروک یا هم مساجد روستاهای تحت
کنترل، بازداشت‌گاه‌های طالبان است. جایی که در آن
لت و کوب برای زندانیان امری مسلم و مدت حبس همیشه
نامشخص است. جایی که در آن غذای زندانیان، البته اگر

تحلیل



جاویدان هنرمندی که آثارش به جای آویخته شدن بر دیوار نمایشگاه‌ها سر از کیسه‌های نان خشکی درمی‌آورد

مرگ روی دیگر زندگی است و آن‌ها که جاویدان را از
نزدیک می‌شناختند به نیکی می‌دانند که او همچنان...

۴

گزارش

پیروزی تفنگ بر استدلال؛ چرا مذاکرات صلح سریلانکا شکست خورد؟

سریلانکا حدود ۲۶ سال درگیر جنگ داخلی بود
که بین دولت و گروه شورشی «بیرهای آزادی‌بخش
تامیل ایلام» که به بیرهای تامیل معروف است بین
سال‌های ۱۹۸۳ تا ۲۰۰۹ جریان داشت. این جنگ
در ۲۳ جون ۱۹۸۳ از سوی گروه شورشی بیرهای
تامیل برای ایجاد یک کشور مستقل در شمال
شرق جزیره آغاز شد که دلیل آن تبعیض مداوم و
آزار و اذیت خشونت‌آمیز حکومت سینه‌هایی‌ها علیه
تامیل‌های سریلانکا گفته می‌شد. پس از ۲۶ سال
جنگ نظامی بین دو طرف و شکست چهار تلاش
برای صلح، ارتش سریلانکا در ماه می سال ۲۰۰۹
بیرهای تامیل را شکست داد و جنگ داخلی را به
پایان رساند.

عوامل و پیامدهای جنگ داخلی
آزار و اذیت‌های خشونت‌آمیز در قالب...

خانه موفقیت

The TOEFL HOUSE

Unlock the World with TOEFL

TOEFL Preparation

شعبه (کوته سنگی): کوته سنگی، گولابی دوخله، ایستگاه سابقه.
شعبه (برچی): برچی، ایستگاه مغازه، کوچه اول باغ خان.
شعبه (سلیم کلون): سرکه چهل متره، چهارراهی سلیم کلون.

0747 994 244
0745 651 844
0747 918 200

toeflhouse@gmail.com TOEFL House

ادامه‌یادداشت‌روز

اما امروز با خواهش و تمنا انتظار دارد از فعالیت‌اش تا زمان لزومدید حکومت دست بردارد!

حزب‌التحریر تنها نیست. این حزب یکی از ده‌ها سازمانی است که در افغانستان به‌عنوان بازوی تبلیغی تروریزم و عامل ترویج افراط‌گرایی عمل کرده و به جوانان و مردم عام افکار تندروانه تزریق می‌کنند. در طول این سال‌ها به میزان گسترده‌ای عضوگیری و در مکتب‌ها، دانشگاه‌ها، مدرسه‌های دینی و مساجد کار کرده‌اند. این حزب خلافت را یگانه نظام اسلامی و نظام‌های دیگر را مردود می‌داند. اعضای آن در دانشگاه‌ها، مکاتب و گردهمایی‌شان آشکار ارزش‌های دموکراتیک و مردم‌سالارانه را نفی و تک‌صدایی را ترویج می‌کنند. با همه‌ی این‌ها، حکومت افغانستان در طول این سال‌ها جلو فعالیت‌های غیرقانونی سازمان‌های مثل حزب‌التحریر را نگرفته است. درحالی‌که نظام‌ستیزی و ترویج خشونت و تلاش برای پیوستن جوانان به گروه‌های تروریستی، نه‌تنها بر مبنای قوانین افغانستان جرم است که در هرجای دنیا، جای عاملان چنین رفتارهای زندان است.

گروه‌های که به‌عنوان بازوی تبلیغی تروریزم در افغانستان فعالیت می‌کنند، بسیار بیشتر از تصور دولت افغانستان است. کار به جایی رسیده است که این روزها، گروه‌های بنیادگرا و ضدنظام دیگر ضرورتی نمی‌بینند که زیرزمینی یا دست‌کم به روش‌های نرم و به ظاهر زیبا زیرپای نظام را خالی کنند. نمونه‌ی آن موضع‌گیری‌های اخیر یک مولوی در ولایت هرات است. گفته‌های مولوی مجیب‌الرحمان انصاری بی‌ارتباط به سال‌ها فعالیت‌های نرم و زیرزمینی سازمان‌های باورمند به افراط‌گرایی نیست. وقتی یک مولوی درگوشه‌ای از شهر جرأت می‌کند آشکارا از فراز منبر مردم را علیه نظام دعوت به شورش کند، معنایش این است که تبلیغات سازمان‌های بنیادگرا موفق بوده و دولت برای مبارزه با آن کاری نکرده یا دست‌کم اگر کاری هم در این زمینه شده، نتیجه‌ای نداشته است.

خطر فعالیت‌های بنیادگرایانه جدی است و مبارزه با آن باید جدی گرفته شود. با غیرقانونی خواندن این یا آن سازمان نمی‌توان با بنیادگرایی مبارزه کرد و جلو فعالیت‌هایی را که سر از رفتارهای خشونت‌آمیز و نظام‌ستیزی درمی‌آورد، گرفت. ظاهرا تنها راهکار دولت در این مقطع حساس وعده ساخت پالیسی چگونگی برخورد حقوقی و قانونی با چنین سازمان‌ها است. قبلا هم وزارت عدلیه چارچوبی را برای فعالیت احزاب و سازمان‌ها تعریف کرده اما این سازوکار نتوانسته جلو فعالیت‌های غیرقانونی بسیاری از احزاب و سازمان‌هایی را بگیرد که زیر نام حزب و نهاد زیر پای نظام را خالی کرده‌اند. منطقی این است که ریشه‌ها و زمینه‌های رشد فعالیت‌های چنین گروه‌ها خشکانده شود. دست چنین سازمان‌ها از نهادهای آموزشی کشور کوتاه شود. نظام آموزشی کشور از اندیشه‌های این سازمان‌ها سره و ناسره شود. همین چند سال پیش حفیظ منصور در نشست عمومی مجلس گفت: «ثقافت اسلامی در دانشگاه‌ها تروریست پرورش می‌دهد.»

این روزها شهروندان افغانستان برای مبارزه با تروریزم از جان مایه می‌گذارند. نیروهای امنیتی هر روز کشته می‌دهند، شهروندان افغانستان هر روز قربانی تروریزم می‌شوند. این همه قربانی فقط برای یک چیز است؛ خلاصی از دست بنیادگرایی، افراط‌گرایی و تروریزم. اما وقتی گروه‌های بنیادگرا آزادانه به تروریزم کمک می‌کنند، امیدی برای خلاصی از خطر ریشه‌دار باقی نمی‌ماند.

بنابراین لزوم برخورد قاطع با بازوهای تبلیغی تروریزم یک نیاز جدی است. وقتی حکومت از حزب‌التحریر نام می‌برد و فعالیت این سازمان را غیرقانونی و رفتاری در راستای کمک به تروریزم می‌داند، باید رهبران این حزب بازداشت شوند. جلو گردهمایی آزادانه‌ی این سازمان‌ها گرفته شود. از همه مهم‌تر صدای نظام‌ستیزی از فراز منبر خاموش شود. فراموش نکنیم که این کار با خواهش، تمنا، وعده و چشم‌پوشی نمی‌شود.

اطلاعات روز: ارگ ریاست‌جمهوری از دیدار رییس‌جمهور اشرف غنی با زلمی خلیل‌زاد، نماینده‌ی ویژه‌ی امریکا در امور صلح افغانستان خبر داده است. خلیل‌زاد که به تازگی سفرش به کشورهای منطقه را در پیوند به صلح افغانستان آغاز کرده، به کابل آمده است. او صبح دیروز با عبدالله عبدالله، رییس شورای عالی مصالحه‌ی ملی افغانستان نیز دیدار کرده است. در اعلامیه‌ی سپیدار آمده است که در این دیدار درباره‌ی مذاکرات صلح، بازنگری توافق‌نامه‌ی دوحه و روند مذاکرات صلح از سوی اداره‌ی جدید ایالات متحده‌ی امریکا بحث و گفت‌وگو شده است.

طبق خبرنامه، زلمی خلیل‌زاد از اجماع داخلی و دیپلماسی منطقی و بین‌المللی برای روند صلح ابراز خرسندی کرده است. آقای خلیل‌زاد یک‌بار دیگر از نقش موثر

ایالات متحده‌ی امریکا در راستای برقراری صلح در افغانستان به رییس‌جمهور غنی اطمینان داده است. خلیل‌زاد که به تازگی سفرش به کشورهای منطقه را در پیوند به صلح افغانستان آغاز کرده، به کابل آمده است. او صبح دیروز با عبدالله عبدالله، رییس شورای عالی مصالحه‌ی ملی افغانستان نیز دیدار کرده است. در اعلامیه‌ی سپیدار آمده است که در این دیدار درباره‌ی مذاکرات صلح، بازنگری توافق‌نامه‌ی دوحه و روند مذاکرات صلح از سوی اداره‌ی جدید ایالات متحده‌ی امریکا بحث و گفت‌وگو شده است.

صلح افغانستان؛

خلیل‌زاد با غنی و عبدالله به‌صورت جداگانه دیدار و گفت‌وگو کرد

طبق اعلامیه‌ی سپیدار، تسریع روند مذاکرات صلح، دور دوم مذاکرات صلح در دوحه، کاهش خشونت‌ها، راه‌های پیشرفت در مذاکرات صلح و دست‌یافتن به صلح دائمی از دیگر موضوعات مورد بحث در دیدار دو طرف بوده است.

وزارت خارجه‌ی امریکا گفته است که خلیل‌زاد پس از کابل، به دوحه و شماری دیگر از کشورهای منطقه سفر و با رهبران طالبان و کشورهای منطقه در مورد صلح افغانستان و دست‌یابی به آتش‌بس دائمی و همه‌جانبه در افغانستان بحث و گفت‌وگو می‌کند.

وزارت صحت دلیل فوت کارمند صحن در بامیان را سکنه قلبی اعلام کرد

نرسیده است. در افغانستان تا کنون بیش از ۱۲ هزار کارمند صحنی واکسینه شده‌اند. نظری توضیح داد که واکسین به‌عنوان دارو عمل می‌کند و همواره اعراض، علایم و عوارض جانبی دارد. به گفته‌ی او، شکایت شماری از شهروندان از تب و جان‌دردی پس از دریافت واکسین، پیام مثبت و در عین حال نشان‌دهنده‌ی این است که واکسین کرونا اثر کرده و تولید انتی‌بادی‌ها در بدن نیز آغاز شده است.

بیشتر گزارش شده بود که یک کارمند صحنی در شفاخانه ولایتی بامیان پس از تزریق واکسین کرونا فوت کرده است. سخن‌گوی وزارت صحت و رییس صحت عامه بامیان در صحبت با روزنامه اطلاعات روز گفته بودند که یک تیمی از داکتران این موضوع را بررسی می‌کند. روند تطبیق واکسین کرونا در افغانستان در پنجم حوت آغاز شد. براساس اولویت‌بندی دولت افغانستان، کارمندان صحنی، نیروهای امنیتی و دفاعی و همچنان خبرنگاران در گام نخست واکسین کرونا دریافت خواهند کرد.

معاون وزارت دفاع:

طالبان از روند صلح بیشتر از میدان جنگ امتیاز کسب کرده‌اند

افغانستان دفاع کنند. او افزود: «نیروهای دفاعی و امنیتی از این خاک دفاع می‌کنند، از منافع ما و مردم ما دفاع می‌کنند و هر نوع دسیسه‌ی دشمن را خنثا می‌کنند.» در همین حال، محمدمسعود اندرابی، وزیر امور داخله نیز در این نمایشگاه گفت که دولت آمادگی کامل برای جنگ با طالبان دارد. او تأکید کرد: «نیروهای دفاعی و امنیتی کشور آمادگی تام دارند که از این سرزمین دفاع کنند و دشمنان مردم افغانستان را شسکت دهند و این شکست نزدیک و آمدنی است.» با این حال، آقای اندرابی تأکید کرد که دروازه‌ی صلح به روی طالبان باز است و دولت آماده‌ی هرگونه مذاکره و صحبت با این گروه است. پیشتر امرالله صالح، معاون نخست ریاست‌جمهوری کشور نیز گفته بود که در مذاکرات صلح، امریکا بیش از حد به طالبان امتیاز داده است. در آن هنگام او تأکید کرده بود که امریکا با دادن امتیاز گسترده به این

میدان جنگ امتیاز به دست نیاوردند. آنان [اما] در میدان صلح امتیاز به دست آوردند.» در همین حال، او گفت که گروه طالبان به تمامی تعهدات‌شان در توافق‌نامه‌ی صلح با امریکا از جمله کاهش خشونت، فراهم‌سازی زمینه برای برقراری آتش‌بس دائمی، قطع روابط با گروه‌های تروریستی دیگر و تسریع در مذاکره با دولت افغانستان، عمل نکرده است.

اما به گفته‌ی شاه‌محمود میاخیل، دولت افغانستان برای برقراری صلح متعهد بوده و برای آن «قربانی» نیز داده است.

از سویی هم، او بااشاره به تشدید جنگ در بهار آینده، نیز گفت که طالبان دیگر توانایی سقوط ولایت‌ها و ولسوالی‌ها را ندارند، ولی

همچنان به تخریب سرک‌ها و پل‌چک‌ها، انفجار ماین‌های مقناطیسی و کشتار هدفمند ادامه خواهند داد.

آقای میاخیل اما گفت که نیروهای دفاعی و امنیتی آماده‌اند که از خاک، مردم و منافع

انفجاری در جوزجان یک کشته و سه زخمی بر جای گذاشت

به گفته‌ی او، این رویداد ناشی از انفجار ماین مقناطیسی بوده است که در یک عراده موتر نوع «فولدر» جاسازی شده بود.

سخن‌گوی فرماندهی پولیس جوزجان تأکید کرد که تیم بررسی این فرماندهی برای تحقیقات بیشتر در مورد چگونگی این انفجار، به محل رویداد رفته است. هنوز شخص و یا گروهی مسئولیت این رویداد را به عهده نگرفته است. ولایت جوزجان در شمال کشور از ولایت‌های ناامن است. اخیرا انفجار ماین‌ها در بخش‌هایی از این ولایت از جمله شهر شبرغان افزایش یافته است.

یک‌سالگی توافق‌نامه‌ی دوحه؛

«بیش از ۱۵۰۰ غیرنظامی در افغانستان کشته شده‌اند»

توافق‌نامه اعلام کردند که این توافق‌نامه به‌سوی مثبت در حرکت است. این گروه همچنان گفته بود که به تمامی تعهدات خود در آن عمل کرده است.

دولت افغانستان اما می‌گوید که توافق‌نامه‌ی دوحه هیچ تأثیری در روند صلح نداشته و تنها وقت را ضایع کرده است.

رحمت‌الله اندر، سخن‌گوی دفتر شورای امنیت ملی دو روز پیش در رشته‌توییتی گفت که این توافق‌نامه تنها آتش‌بس میان طالبان و امریکا را تضمین کرده، اما روابط طالبان با افغان‌ها تاکنون «تنها به قتل،

خبرهای داخلی

سیگار:

۲,۴ میلیارد دلار در ساخت و تهیه تأسیسات عامه در افغانستان هدر رفته است



لطف‌علی سلطانی

سیگار یا بازرس ویژه ایالات متحده آمریکا باری بازسازی افغانستان در گزارش تازه خود دریافته است که ۲,۴ میلیارد پول مالیه‌دهندگان آمریکا در ساخت و خرید تأسیسات عامه‌ی غیرمؤثر در افغانستان به هدر رفته است.

بر بنیاد این گزارش، به ارزش ۲,۴ میلیارد دلار تأسیسات و وسایط که در افغانستان با پول مالیه‌دهندگان آمریکا تهیه و ساخته شده است، یا ویران شده یا در حال ویران شدن است و یا به مقصدی که باید استفاده می‌شد استفاده نشده است. این ۲,۴ میلیارد دلار از مجموع ۷,۸ میلیارد دلاری است که سیگار در گزارش قبلی خود بررسی کرده بود.

در این گزارش همچنان آمده است که از مجموع ۷,۸ میلیارد تأسیسات عامه، ۱,۲ میلیارد دلار به مقصدی که در نظر بوده، استفاده شده و تنها ۳۳۲,۲ میلیون دلار در حالت خوب حفظ شده است.

براساس گزارش سیگار این پول در ساخت مکتب، شفاخانه، زندان، جاده، یک هتل و تأسیسات نظامی مصرف شده.

در این گزارش به نقل از جان ساپکو، بازرس ویژه

امریکا برای بازسازی افغانستان آمده است: «یافته‌های سیگار نشان می‌دهد که نهادهایی آمریکایی پول هنگفتی را بسیار سریع در کشوری واریز می‌کند که برای جذب آن بسیار کوچک است.»

آقای ساپکو اضافه کرده است: «این یک واقعیت است که از سرمایه‌گذاری و بیشتر تأسیسات استفاده نشده است. این تأسیسات یا ویران شده و یا بدون استفاده به حال خودش رها شده است.»

بر اساس این گزارش، بخش عمده‌ی این تأسیسات و وسایط، به دلیل این که منابع مورد نیاز برای استفاده‌ی مؤثر از آن وجود نداشته یا ویران شده است و یا به مقصدی که باید استفاده می‌شد استفاده نشده است. در این گزارش دلیل عمده و اصلی ضیاع منابع، کمبود نیروی انسانی متخصص و کافی برای عملیاتی کردن و استفاده از این تأسیسات خوانده شده است.

در این گزارش به نقل از مقام‌های افغان آمده است که به علت کمبود بودجه، نیروی انسانی مورد نیاز و برق کافی شماری از این تأسیسات به مقصدی که باید استفاده می‌شدند استفاده نشده است.

به‌عنوان مثال، دستگاه تولید برق دیزلی تره‌خیل که ۳۳۵ میلیون دلار هزینه برده درست کار نمی‌کند و

بی‌استفاده مانده است. به‌خاطری که مقام‌های افغان می‌گویند متخصصانی که بتوانند آن را راه اندازی و عملیاتی کنند در افغانستان وجود ندارند. مقام‌های افغان گفته‌اند که آنان برای ترمیم این سیستم یک کمپنی خارجی را استخدام کردند اما به گفته‌ی آنان این کمپنی آن‌طوری که باید، آن را ترمیم نکرده است. بر بنیاد گزارش سیگار شبیه دستگاه برق دیزلی تره‌خیل، ده‌ها مورد دیگر هم وجود دارد که استفاده‌ی مؤثر از آن نمی‌شود و در واقع هزینه‌ای که شده هدر رفته است.

در این گزارش آمده است که قوانین متعددی در ایالات متحده حکم می‌کند که نهادهای تا زمانی که مطمئن نشده‌اند کشورهای مستفیدشونده توانایی مالی و تخنیکی حفظ آن را دارند، نباید به ساخت و تهیه آن اقدام کنند. براساس این گزارش به‌رغم وجود چنین قوانین‌هایی پول مالیه‌دهندگان به هدر رفته است.

در این گزارش آمده است که از نشر نخستین گزارش سیگار در سال ۲۰۰۹ تا کنون، ایالات متحده آمریکا ۱۰۹,۲۴ میلیارد دلار کمک برای امور بشردوستانه، امنیت و بازسازی در افغانستان اختصاص داده است.

طنز

اسلامی ایران را به ارگ ریاست‌جمهوری تحویل دادند. این محموله حاوی شصت و چهار هزار عکس تمام‌قد آیت‌الله خامنه‌ای و سه هزار و شصت‌صد قطعه عکس از شهید محمدحسین فهمیده بود. شهید محمدحسین فهمیده چهل سال قبل در نبرد حق علیه باطل خود را زیر تانک‌های رژیم بعثی عراق انداخت. در پاسخ به این سوال خبرنگاران که دلیل حمایت مالی، تسلیحاتی و اطلاعاتی ایران از جنگ‌جویان طالبان چیست، آقای بروجردی گفت:

«بسمه تعالی، با درود به روان شهدای گلگون‌کفنی که در سرتاسر جهان علیه اشغال کشورهای اسلامی مبارزه کردند و به ذلت تن ندادند و با درود به روح اون عزیزی که همین حالا در اطراف موگادیشو در سومالی چندین تن از نیروهای اشغالگر را به اسارت گرفته‌اند، من الحمدلله عمرم در تصحیح نسخ خطی عرفای بزرگمان طی شده و اطلاعات دقیقی در مورد مسائل سیاسی ندارم. تا آنجایی که من اطلاع دارم حضرت امام راحل همیشه توصیه‌شان این بود که با برادران و خواهران افغانی مساعدت کنید. حالا اگر مسئولان ما با برادران چیز، این عزیزی که اسم‌شان را بردید، کمکی کرده باشند، من نمی‌توانم اظهار نظر کنم، چون من تخصص مسایلی عرفانی و تصحیح نسخ هست. ولی، خوب، می‌دانیم که مومن برادر مومن است. روایت داریم، اگر یک برادر مومن کشورش تحت اشغال استکبار جهانی باشد، من واقعا نمی‌توانم در این مورد اظهار نظر کنم چون در تخصص من نیست، ولی زندگی به قول مولای‌مان امام حسین سلام الله علیه عقیده است و جهاد. حضرت امام بارها توصیه کردند که برادران افغانی‌مون را تنها نگذاریم.»

سخن‌گوی ارگ ریاست‌جمهوری از کمک نقدی جمهوری اسلامی برای حفاظت از آبدات تاریخی مستقر در اداره‌ی امور ریاست‌جمهوری زمان حامد کرزی تشکر کرد و خطاب به هیئت ایرانی گفت:

«آن دفتر هنوز هست.»

• گلگونه حمید، آوازخوان مشهور افغان، در حمایت از نیروهای هوایی کشور موهای خود را به شکل فرقه‌ی ۵۹۸ آهو درآورد. وی اعلام کرد که در صورتی که میهن ضرورت پیدا کند حاضر است بدون میکاپ و پاراشوت از خواب بپرد و به سلام جنرال‌های اردو علیکم ببخشد.

کابل‌نان

وقتی پیرمرد برای چند افغانی گریست

سهراب سروش

حوالی ساعت یک پس از چاشت همین روزهای پیش، مرد بسیار پیری را در ایستگاه «انچی» دشت برچی دیدم که کفش می‌فروخت. پنج جوهره کفش لیلیامی را پیش رویش جفت گذاشته بود که یک جوهره‌ی آن زنانه و چهار جوهره‌اش مردانه بود. خودش پشت به دیوار تکیه زده در انتظار خریدار نشسته بود. جز چشمانش که ناقرار هر عابری را دنبال می‌کرد، دیگر اعضای بدنش هیچ حرکتی نمی‌کرد. وقتی نزدیک‌تر رفتم، متوجه شدم حوصله‌ای برای صحبت کردن ندارد. حوصله را چه می‌کنی، مثل برج زهر مار خشمگین بود. بی‌حوصلگی را از جواب‌های یک‌کلمه‌ای و خشم را از گفتار و رفتارش فهمیدم. احساس کردم مزاحمش هستم. کمی که فاصله گرفتم دوباره برگشتم؛ باید درد دل‌هایش را می‌شنیدم. این دفعه فهمیدم که بی‌حوصلگی و خشمش ناشی از گرسنگی است. پیرمرد آن قدر گرسنه بود که نای حرف‌زدن را نداشت.

به گفته‌ی خودش ۸۴ ساله بود. می‌گفت در تمام عمر یک پیاله آب خوش از گلویش پایین نرفته است. برایم قصه کرد: «اگر تمام سال بالای زمین‌های پدری‌ام در حصه‌ی اول بهسود کار می‌کردم، در آخر سال ۴۰ سیر حاصل به‌دست می‌آوردم. به همین دلیل از وقتی که جوان بودم، بهسود را ترک کرده به کابل آمدم. بعد به ایران و پاکستان مهاجرت کردم. در هر جا که بودم کارگری می‌کردم. موهای سرم در مزدورکاری سفید گشته است.»

او در طول زندگی‌اش پدر چهار دختر و یک پسر می‌شود. فرزندان‌ش همه ازدواج کرده‌اند. همسرش پنج سال پیش از دنیا رفته است. حالا او در خانه‌ی تنها پسرش در محله‌ی «کوته‌گوئی» دشت برچی زندگی می‌کنند. پسرش لیلیامی‌فروش است؛ شغلی که زیاد سودآور نیست اما به هر حال باید مخارج زن و فرزندان‌ش را از آن طریق پیدا کند. به‌شمول پدرش ۹ نفر عیال دارد. پیرمرد چندان دل خوش از زن و فرزندش نداشت. می‌گفت کسی در خانه به قصه‌اش نیست و احترامش را نگه نمی‌دارد ...

با آن که هر دو پایش شدید درد می‌کنند اما نمی‌توانند روزش را در خانه بیگانه کنند. هر روز با چند جوهره کفش به خیابان می‌آید. در خیابان اما بیشتر از خانه دچار استیصال و درماندگی می‌شود. هر یک هفته یا هر ده روز یک کفشش به فروش می‌رود. قسم می‌خورد که از ده روپیه بیشتر برایش فایده نمی‌ماند. یعنی در روز یک افغانی به دست می‌آورد و نمی‌آورد. بیشتر وقت‌ها اگر خریداری پیدا شود، به خاطر پول نان چاشت، کفش‌هایش را زیر قیمت نیز به فروش می‌رساند.

از این چیزها که بگذریم، می‌رسیم به غذای وعده‌ی چاشت او. بیشتر روزها را با چایی که صبح در خانه می‌خورد، به شام می‌رساند. بعضی‌روزها اما گرسنگی آن قدر فشار می‌آورد که به مرگش راضی می‌شود. روزی که با من صحبت می‌کرد، از روزهای بود که از خدایش مرگ می‌خواست. لحظات قبل از من پیش چند رهگذر دست دراز کرده گفته بود: «برادر! گدا نیستم، ناتوان استوم. پول یک نان ره کمک کنید!» هیچ‌کس اعتنایی نکرده بود. آن وقت از اعماق قلبش پیش خدا زاری کرده بود تا برایش مرگ بدهد. زاری‌کنان آمده بود آنجا سرچایش نشسته بود.

هرچند در مورد شدت شرایط پیری همیشه در کشور ما اغراق می‌شود، ولی من همیشه کوشش کرده‌ام باورهای قالبی و کلیشه‌ای درباره‌ی پیری مرا مرعوب نکند. از نظر من یکی از چیزهای مرعوب‌کننده درباره‌ی پیری مرگ‌خواهی است. آیا به‌راستی مرگ ترس‌ناک است؟ آیا برای کسانی که شرایط آن پیرمرد پناهی جز مرگ وجود دارد؟ واقعا در این باره ذهنیتی ندارم، اما کم‌وبیش می‌دانم که گرسنگی چگونه بر وجود آدم فشار می‌آورد.

خوب به یاد دارم سال‌های دوری را که در یک شهر دور وسط یک خیابان گرسنه شده بودم. لذا خوب می‌دانم که گرسنگی در وسط بیابان بسیار بهتر از گرسنگی در وسط خیابان است. اگر وسط خیابان گرسنه شوی و پولی در جیبیت نباشد، اول سروصدای موترها رفته‌رفته غرش رعد را پیدا می‌کنند. بعد تمام بوهای خوش‌آیند و ناخوش‌آیند پیرامونت را با وضاحت تشخیص می‌دهی. احساس می‌کنی بوها دهن و بینی آدم را غلغلک می‌دهد و رفته‌رفته آدم از خود بی‌خود می‌شود. وقتی گرسنگی خوب زور بگیرد، بوها آن قدر قوی می‌شود که آرواره‌های آدم شروع به جویدن می‌کنند. آن وقت است که آدمی آب دهانش را قورت می‌دهد. سپس چشمش به هر چیزی که افتاد، دلش می‌خواهد آن را بخورد، حافظه‌اش هر چیزی را که یادآوری کرد، می‌خواهد آن چیز را بخورد، ذهنش هر چیزی را که تصور کرد، می‌خواهد آن را بخورد. شاید پیرمرد آن روز در چنین حالتی قرار گرفته بود.

وقتی در آخر صحبت‌ها چند افغانی ناچیز برایش دادم، پیرمرد رسماً «بوغ» زد. درحالی که می‌گریست، گردنم را بغل گرفت و پیشانی‌ام را بوسید. وقتی از او دور می‌شدم، کومه‌های من نیز تر شده بود.

این‌جا کابل جان است.

خبرهای پیس‌فول این ماه



سخن‌داده هائفا

• یما وطنپال، گیم‌آور شجاع پانزده ساله‌ی کشور، به رتبه‌ی دگرجنرالی نایل آمد. وزارت دفاع کشور اعلام کرد که ماه گذشته یما جان در یک گیم خطرناک چندین پست بازرسی دشمن را با راکت منفجر کرد و درحالی‌که هیچ مرمی Bonus به او داده نشده بود، به قلب قلعه‌ی دشمن حمله برد. قرار است آقای وطنپال در ماه حمل سال آینده در راس یک هیئت بلندپایه به اسلام‌آباد رفته و در مورد پروسه‌ی صلح با نظامیان پاکستانی صحبت کند. یما جان به خبرنگاران گفت:

«به‌عنوان سربازی که در میدان‌های دشوار Minecraft و Angry Birds با دشمن دست و پنجه نرم کرده است، همین جا در حضور رسانه‌ها اعلام می‌کنم که از هرچه در توان دارم برای خدمت به وطن دریغ نخواهم کرد. فعلا پس از نبرد سنگینی که در مرحله‌ی پنجاه و ششم انگری بیردز داشتیم، گردن من خیلی شیخ مانده. به همین جهت مجبورم مدتی به انگلستان نزد خانواده بروم. ولی به محضی که خوب شوم، دوباره به خدمت در زیر بیرق پرافتخار وطن که همین حالا کنار کامپیوترم در حال اهتزاز است، بروخواهم گشت.»

• محمد اشرف غنی، رئیس‌جمهور، با مشاور ارشد خود

در امور امنیتی دیدار کرد. در این دیدار، رئیس‌جمهور خطاب به آقای محمد محقق گفت:

«اگرچه در هیچ جای دنیا رئیس‌جمهور و مشاور ارشد امنیتی با هم دیدار نمی‌کنند و چنین دیداری ضرور هم نیست، شما خوبید؟»

آقای محقق گفت: «به نام خدا. سابق د منطقه ما یک مرغ‌فروش جلمرغ بود که امی مرغای مردنی را جمع می‌کند و یک چند روز بری‌شان دانه و بلا و بتر می‌داد.»

رئیس‌جمهور از آقای محقق خواهش کرد که بقیه‌ی داستان را به‌صورت خصوصی تعریف کند چون خبرنگاران در جلسه حضور دارند و ممکن است با نشر این حکایت به وحدت ملی ضربه بزنند.

این دیدار سرگشاده که با آیاتی چند از کلام‌الله مجید شروع شده بود، با آیاتی چند از همان کلام‌الله مجید پایان یافت. طرفین دیدار روی اصول اولیه‌ی دیدار بعدی توافق کردند.

• علاءالدین بروجردی، عارف مشهور ایرانی، در راس یک هیئت هشت صد و نود و چهار نفره وارد کابل شد. آقای بروجردی و هیئت همراهش محموله‌ی بزرگی از کمک‌های تصویری بشردوستانه‌ی جمهوری

فاطمه فرامرزی

سرلانکا حدود ۲۶ سال درگیر جنگ داخلی بود که بین دولت و گروه شورشی «ببرهای آزادی‌بخش تامیل ایلام» که به ببرهای تامیل معروف است بین سال‌های ۱۹۸۳ تا ۲۰۰۹ جریان داشت. این جنگ در ۲۳ جون ۱۹۸۳ از سوی گروه شورشی ببرهای تامیل برای ایجاد یک کشور مستقل در شمال شرق جزیره آغاز شد که دلیل آن تبعیض مداوم و آزار و اذیت خشونت‌آمیز حکومت سینهالی‌ها علیه تامیل‌های سرلانکا گفته می‌شد. پس از ۲۶ سال جنگ نظامی بین دو طرف و شکست چهار تلاش برای صلح، ارتش سرلانکا در ماه می سال ۲۰۰۹ ببرهای تامیل را شکست داد و جنگ داخلی را به پایان رساند.

عوامل و پیامدهای جنگ داخلی

آزار و اذیت‌های خشونت‌آمیز در قالب کشتارهای ضد تامیل که گاهی از سوی اوباشان سینهالی با حمایت دولت صورت می‌گرفت، از عمده‌ترین علت‌های آغاز جنگ بود. بیش از ۲۵ سال جنگ مشکلات قابل توجهی را برای جمعیت، محیط زیست و اقتصاد کشور به همراه داشت. براساس تخمین‌های اولیه در طول دوره‌ی جنگ بین ۸۰ تا ۱۰۰ هزار نفر کشته شدند.

در اوایل، نیروهای ارتش سرلانکا سعی در بازپس‌گیری مناطق تصرف‌شده توسط ببرهای تامیل داشتند. تاکتیک‌های مورد استفاده ببرهای تامیل علیه اقدامات نیروهای دولتی منجر به فرارگرفتن آن‌ها به‌عنوان یک سازمان تروریستی در ۲۲ کشور از جمله ایالات متحده، هند، کانادا و کشورهای عضو اتحادیه اروپا شد.

پس از دو دهه جنگ و چهار تلاش ناموفق در مذاکرات صلح، از جمله اعزام ارتش هند، نیروی حافظ صلح هند از ۱۹۸۷ تا ۱۹۹۰ با اعلام آتش‌بس در دسامبر سال ۲۰۰۱، زمینه امضای توافقنامه آتش‌بس با میانجی‌گری بین‌المللی مهیا و توافقنامه در سال ۲۰۰۲ امضا شد. با این حال در اواخر سال ۲۰۰۵ جنگ مجدداً آغاز شد تا اینکه دولت سرلانکا در جولای ۲۰۰۶ حملات نظامی عمده را علیه ببرهای تامیل آغاز کرد و آنان را از ایالت‌های شرقی جزیره خارج کرد. ببرهای تامیل پس از این شکست، اعلام کرد که مبارزه برای دست‌یابی به خودمختاری را از سر می‌گیرند.

در سال ۲۰۰۷ دولت حملات خود را به شمال کشور منتقل کرد و در دوم جنوری ۲۰۰۸ رسماً اعلام کرد که از توافق آتش‌بس خارج شده و ادعا کرد که ببرهای تامیل بیش از ۱۰ هزار بار این توافق را نقض کرده است. دولت سرلانکا به کمک تخریب شناورهای بزرگ قاچاق اسلحه که متعلق به ببرهای تامیل بود و همچنان یک سرکوب بین‌المللی برای تأمین بودجه ببرهای تامیل، کنترل کل منطقه‌ای را که قبلاً توسط ببرهای تامیل کنترل می‌شد، به‌دست گرفت. سرانجام ببرهای تامیل در ۱۷ می ۲۰۰۹ شکست را پذیرفت.

به دنبال شکست ببرهای تامیل، اتحاد ملی طرفدار ببرهای تامیل که قبلاً خواستار تشکیل یک کشور جداگانه بودند، این خواست را به نفع راه‌حل تشکیل یک حکومت فدرال کنار گذاشت. در ماه می ۲۰۱۰ ماهیندرا راجاپاکسا، رئیس‌جمهور وقت سرلانکا کمیسیون درس‌های آموخته‌شده و آشتی را برای ارزیابی تعارض بین توافق آتش‌بس ۲۰۰۲ و شکست ببرهای تامیل در ۲۰۰۹ منصوب کرد.

از زمان پایان جنگ داخلی دولت سرلانکا به‌دلیل نقض حقوق بشر در نتیجه‌ی ارتکاب جنایات جنگی از طریق بمباران اهداف غیرنظامی، استفاده از سلاح‌های سنگین، آدم‌ربایی و کشتار تامیلی‌های سرلانکا و خشونت مبتنی بر جنسیت مورد انتقاد جهانی قرار گرفت. همچنین ببرهای تامیل به‌دلیل انجام حملات شنیع بی‌شمار علیه غیرنظامیان و سیاستمداران و استفاده از بمب‌گذاری انتحاری در درجه اول علیه اهداف نظامی، بدنام شد.

عوامل شکست مذاکرات

گروه بین‌المللی بحران در سال ۲۰۰۶ طی یک تحقیق عوامل شکست تلاش‌های

مذاکرات صلح را بررسی کرد که برآیند آن قرار ذیل است:

الف: مشارکت ناقص

روند صلح سرلانکا که در ۲۰۰۲ شروع شد، شامل بحث در هتل‌های خارج از کشور بین گروه‌های کوچکی از مردان تنها از دو طرف درگیری بود. شفافیت کمی وجود داشت و جایگاهی برای سایر مجموعه‌های آسیب‌دیده - مسلمانان، تامیلی‌های غیر ببرهای تامیل و احزاب دیگر سینهالی - وجود نداشت. یک فرآیند بسته طراحی شده بود تا به هر دو طرف اجازه دهد تا آشتی‌هایی را به دور از نظارت مداوم رسانه‌ها انجام دهند. در این روند ببرهای تامیل خود را تنها نماینده‌ی تمام جمعیت تامیل‌ها می‌دانست و می‌خواست به‌عنوان صدای واحد تامیل‌ها شناخته شود. در غیر آن از مذاکره خودداری می‌کرد.

از آن‌جا که اختلافات در جوامع چندقومی اجتناب‌ناپذیر است، هر دو طرف جنگ نیاز داشتند برای پایان جنگ، اول توافقنامه آتش‌بس را امضا و سپس یک روند صلح بسیار گسترده‌تر را تعقیب کنند اما هیچ یک از طرفین علاقه‌ای به گسترش روند از طریق امضای توافقنامه آتش‌بس نداشتند. دولت تلاش برای ایجاد اجماع در جنوب را عامل انحرافی می‌دانست که می‌توانست روند صلح را از بین ببرد. با این حال، عواملی که مشارکت در روند صلح را ناقص کرد، قرار ذیل است:

۱. اختلافات در جامعه تامیل

ببرهای تامیل پیش از انتخابات پارلمانی دسامبر ۲۰۰۱ تلاش کرد تا با ایجاد اتحاد ملی تامیل متشکل از احزاب سنتی پارلمان تامیل، مانند جبهه آزادی‌بخش متحد تامیل و سازمان‌های مبارز سابق، جبهه گسترده‌تری را ارائه دهد. ببرهای تامیل در واقع با جبهه انقلابی مردم ایلام و سازمان آزادی‌بخش تامیل ایلام ادغام شده بود و به‌نظر نمی‌رسید ایجاد اتحاد ملی تامیل به منزله بسته شدن بیشتر فضای سیاسی تامیل باشد. اتحاد ملی تامیل طوری‌که ببرهای تامیل تنها نماینده تامیل‌ها باشد، فعالیت می‌کرد. بسیاری از اعضای جبهه آزادی‌بخش متحد تامیل از این وضعیت ناراضی بودند اما تعداد کمی از آن‌ها به اندازه کافی شجاع بودند که با ببرهای تامیل مخالفت کنند.

سایر گروه‌های تامیل مانند حزب دموکراتیک مردم ایلام که به شدت ضد ببرها بودند، عمدتاً با دولت همکاری می‌کردند. زمانی فرمانده سابق ببرهای تامیل دست به تاسیس حزب جدید زد، اختلافات متعدد در جامعه تامیل بیشتر آشکار شد.

۲. اختلافات در جامعه سینهالی

ببرهای تامیل تلاش کرد تا از طریق سرکوب بر اختلافات در جامعه تامیل غلبه کند. از سوی دیگر، در میان سیاستمداران سینهالی این تقسیمات توسط یک سیستم دموکراتیک کاملاً کثرت‌گرایانه، اما غالباً ناکارآمد رسمیت یافته و بر آن تأکید می‌شد. تلاش‌ها برای ایجاد اجماع جهت توافق سیاسی همیشه توسط اختلافات سیاسی بین احزاب جنوبی سرلانکا تضعیف می‌شد.

سیاست‌های جنوبی از سال ۱۹۴۸ تحت سلطه دو حزب اصلی (حزب متحد ملی و حزب آزادی سرلانکا) قرار داشت. آنها به‌طور منظم در قدرت چرخیده بودند و در چندین نقطه اصلی در تاریخ سیاسی سرلانکا، اختلافات سیاسی آنها به تلاش‌های دولت برای ایجاد یک راه حل مناسب برای بحران، پایان داده بود. بی‌اعتمادی و اختلافات شخصی بیش از هر اختلاف قابل توجهی در سیاست ریشه دوانده و پویایی سیاسی را به خود اختصاص می‌داد.

این پویایی‌های سیاسی در طی سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۴ برجسته شد زیرا رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر از احزاب مختلف بودند و روابط شخصی تنش‌آمیزی داشتند. بازی قدرت در کلمبو که محصول تضاد بین دو حزب سیاسی بود، روند صلح را به‌حدی تخریب کرد که پیشرفت واقعی واقعا غیرممکن بود.

۳. طرد جامعه مسلمانان

مسلمانان سرلانکا درباره نقش خود در درگیری، شوخی تلخی دارند: «جنگ مانند یک مسابقه فوتبال است. یک طرف ببرهای تامیل و طرف دیگر دولت است. ما مسلمانان توپ فوتبال هستیم.» نماینده مسلمان در بسیاری از مراحل صلح غایب بود و فقط در اواخر نگرانی‌های‌شان به‌عنوان محور اصلی یک راه حل سیاسی شناخته شد. مسلمانان تنها هفت درصد از جمعیت ملی سرلانکا را تشکیل می‌دهند که بیش از یک سوم ساکنان ولایت شرقی مورد مناقشه هستند و بنابراین یک حوزه انتخابیه کلیدی به‌شمار می‌رفتند.

مسلمانان جای بسیاری برای شکایت داشتند. در اگست ۱۹۹۰ جنگ‌جویان ببرهای تامیل وارد دو مسجد در کتانگودی، نزدیک باتیکلاوا شدند و بیش از ۱۰۰ مرد را هنگام نماز کشتند. در ۳۰ اکتبر ۱۹۹۰ به حدود ۲۸ هزار مسلمان در یافنا دو ساعت فرصت داده شد تا خانه‌های خود را ترک کنند و از شمال خارج شوند. آنها مجاز بودند که فقط ۱۵۰ روپیه سرلانکایی که معادل ۱.۵ دالر است و یک دست لباس با خود ببرند. در همین دوره حدود ۸۵ هزار مسلمان از مناطق شمالی تحت کنترل ببرهای تامیل اخراج شدند که همه به پناهندگی رفتند و ببرهای تامیل تا زمان تهیه گزارش گروه بین‌المللی بحران در ۲۰۰۶ برای این پاک‌سازی قومی عذرخواهی نکرده یا غرامت نپرداخته بود.

در شرق جزیره نیز درگیری‌های منظمی بین تامیل‌ها و مسلمانان وجود داشت. ببرهای تامیل از زمان آتش‌بس ۲۰۰۲ برای ایجاد کنترل بر جوامع مسلمان در شرق و مالیات بر فعالیت‌های تجاری آنها بیشتر تلاش می‌کرد. در سال ۲۰۰۳ این تنش‌ها علیرغم توافقنامه‌ای که سال ۲۰۰۲ قبل بین پاراباکران و رتوف حکیم، رهبر کنگره مسلمانان سرلانکا امضا شد تا اخذ این مالیات را پایان دهد، مجدداً افزایش یافت. موقعیت دشوار جوامع مسلمان به ویژه در شرق، برخی از فعالان را بر آن داشته بود تا برای دفاع از خود مسلح شوند.

اکثر مسلمانان در شرق می‌ترسیدند که تحت فشار یک دولت یا اداره تحت کنترل ببرهای تامیل قرار بگیرند. از این رو نگرانی آنها از پیشرفت توافقنامه آتش‌بس و روند صلح، که

مسلمانان سرلانکا درباره

نقش خود در درگیری، شوخی تلخی دارند: «جنگ مانند یک مسابقه فوتبال است. یک طرف ببرهای تامیل و طرف دیگر دولت است. ما مسلمانان توپ فوتبال هستیم.» نماینده مسلمان در بسیاری از مراحل صلح غایب بود و فقط در اواخر نگرانی‌های‌شان به‌عنوان محور اصلی یک راه حل سیاسی شناخته شد.

پیروزی تفنگ بر استدلال؛

چرا مذاکرات صلح سرلانکا شکست خورد؟



سربازان ارتش سرلانکا پس از شکست دادن ببرهای تامیل

سیاسی همیشه دشوار بوده است. با این وجود، عدم اصلاحات به‌عنوان یک مشکل جدی ظاهر شد و بعد از آن که قدرت به طور فزاینده‌ای در دست ارتش متمرکز شد، نیروهای امنیتی و متحدان آنها بدون مصئونیت از مجازات و نظارت غیرنظامی عمل کردند.

ج. تمرکز ناکافی بر بازی آخر

مذاکرات صلح در سال‌های ۲۰۰۲ و ۲۰۰۳ تا آنجا که ممکن بود، بر اقدامات عادی سازی روابط متمرکز بود - تلاش برای ایجاد اعتماد و بحث در مورد مسائل فوری انسان‌دوستانه. هیچ یک از طرفین نمی‌خواستند به سرعت درگیر موضوعات اساسی سیاسی شوند: دولت نمی‌خواست مذاکرات با بن بست مواجه شود. ببرهای تامیل می‌خواست از کمک‌های بشردوستانه و بازسازی برای تحکیم تسلط سیاسی خود بر مردم و ایجاد یک ساختار دولتی نوپا استفاده کند.

کمیته فرعی امور سیاسی که قرار بود در مورد موضوعات اساسی‌تر بحث کند، به‌زودی فروپاشید و بحث و تبادل نظر کمی در مورد طرفین وجود داشت که ممکن است یک بازی پایانی در روند صلح به‌نظر برسد. بازی آخر فریبکارانه ببرهای تامیل ساده به‌نظر می‌رسید. پاراباکران همیشه از آنچه «تامیل ایلام» نامیده می‌شد، طرفداری می‌کرد، که به طور گسترده‌ای به‌عنوان یک کشور جداگانه در شمال و شرق شناخته می‌شد. در واقع خواست‌های ببرهای تامیل کاملاً واضح نبود. تامیل ایلام همیشه دارای حاله‌ای از مدینه فاضله بود تا هدف نهایی. هیچ نقشه‌ای برای آن وجود نداشت، فقط مارکسیسم میهم دهه ۱۹۷۰ به‌عنوان پایه اقتصاد آن و شواهد ساختارهای توسعه یافته در مناطق تحت کنترل ببرهای تامیل، حاکی از یک کشور استبدادی بود که می‌توانست قدرت را از طریق سرکوب حفظ کند نه از

به‌نظر می‌رسید بسیاری از نگرانی‌های آنها علیرغم حضور حکیم در تیم مذاکره‌کننده دولت، نادیده گرفته شده است.

ب. عدم اصلاح ساختار

شکست عمده روند صلح سرلانکا در آغاز، ناشی از ناتوانی دولت در رسیدگی به برخی از دلایل اصلی درگیری بود. این امر شامل طیف وسیعی از اقدامات بود که از اصلاحات در سیاست شروع و به زبان تا تشکیلات نیروهای امنیتی می‌رسید که زمینه را برای تعمیق واقعی روند صلح و همچنین اصلاحات در سراسر سرلانکا طوری‌که به نفع همه شهروندان باشد فراهم می‌کرد. تمرکز بر موضوعات خودمختاری برای شمال و شرق، گرچه ضروری بود، اما رسیدگی به مشکلات بیش از ۶۰۰ هزار تامیلی ناممکن بود، چه رسد به مسائل تامیلی‌های شرق یا جامعه مسلمان.

موضوعاتی مانند زبان برای بسیاری از اقلیت‌ها مشکل‌ساز شده بود. مهم‌ترین مشکلات موجود در شمال شرقی بود، جایی که نیروهای امنیتی تقریباً همه سینهالی‌زبان هستند و اکثریت قریب به اتفاق مردم به زبان تامیل تک‌زبانه هستند. در میان طبقات متوسط، انگلیسی زبان میانه است، اما از سال ۱۹۵۶ سیاست آموزش ملی گرایانه زبان، آن را در بسیاری از زمینه‌ها تضعیف کرد و دیگر به قدری گسترده نبود که بتواند به‌عنوان واسطه ارتباطی بین تامیلی‌ها و سینهالی‌ها عمل کند.

در هنگام تهیه پیش‌نویس توافقنامه آتش‌بس با ارتش رابزنی کمی صورت گرفت که به باور برخی‌ها این یک اشتباه بود، چون نیروهای امنیتی -به‌ویژه افسران اطلاعاتی- قربانیان واقعی کشتار ببرهای تامیل بودند و اما در هنگام تهیه پیش‌نویس فرصت کمی برای پاسخ دادن داشتند. هرگونه اصلاح جدی در ساختارهای امنیتی با توجه به زمینه‌های



زنان در ارتش سرلانکا

پدر بدخشانی:

شاهد مردن پسرم زیر شکنجه طالبان بودم



سید حیات‌الله ۴۲ ساله، نقیب‌الله مومند ۲۶ ساله، محمد امان ۳۱ ساله و عتیق‌الله حسن‌زاده ۳۱ ساله. (عکس‌ها از کیانا حائری نیویورک تایمز)

آدام نویسیتز،
نیویورک تایمز
مترجم: جلیل پژواک



فیض‌آباد، بدخشان - خرابه‌ها، غارها، زیرزمینی‌های کثیف خانه‌های متروک یا هم مساجد روستاهای تحت کنترل، بازداشت‌گاه‌های طالبان است. جایی که در آن لتوکوب برای زندانیان امری مسلم و مدت حبس همیشه نامشخص است. جایی که در آن غذای زندانیان، البته اگر غذایی وجود داشته باشد، نان بیات و لوبیای سرد است، و جای خواب، کف اتاق یا یک تخته فرش کثیف است. در زندان‌های طالبان خطر مرگ حی و حاضر است. گاهی فریاد زده می‌شود، گاهی تجربه.

ملک محمدی، کشاورز ۶۰ ساله با طبعی آرام، شاهد کشته‌شدن پسر ۳۲ ساله‌اش، نصرالله، که افسر ارتش افغانستان بود، در زندان طالبان بوده است. او می‌گوید سال گذشته نصرالله که مبتلا به صرع نیز بود به‌دست طالبان اسیر شد. زندانیان طالبان طی یک دوره ۹ روزه نصرالله را از دوا و دارو محروم نگه داشتند. غذا به او داده نمی‌شد. آقای محمدی می‌گوید پسرش را به یاد می‌آورد که که بدنش زیر لتوکوب کبود گشته و خون از دهانش جاری بود. او می‌گوید که نصرالله روز دهم اسارتش در زندان طالبان جان داد.

آقای محمدی خاموشانه می‌گوید: «طالبان او را لتوکوب کردند. من شاهد کشته‌شدن پسرم بودم.»

چنین سرکوب و ستم جز استراتژی طالبان برای تحکیم کنترل‌شان بر مناطق تحت حاکمیت این گروه است. درحالی‌که حکومت افغانستان و مذاکره‌کنندگان طالبان نشست‌های نه‌چندان جدی و منظم را برای گفت‌وگوهای صلح در قطر برگزار می‌کنند و چشم‌انداز دست‌یابی به صلح واقعی هر روز مبهم‌تر می‌شود، واقعیت اما این است که شورشیان این گروه اکنون بیشتر کشور را در اختیار دارند. نزدیک‌شدن مهلت خروج کامل نیروهای آمریکایی از افغانستانی که دستگاه امنیتی ضعیف آن به سختی قادر به دفاع از خود است، به این معناست که طالبان احتمالاً اقتدارشان را حفظ و روش‌های ظالمانه خود را برای مجبور کردن مردم به تبعیت از این گروه، ادامه خواهند داد.

یکی از ترس‌ناک‌ترین ابزارهای طالبان برای مجبور کردن مردم به تبعیت از این گروه، شبکه‌ای بی‌فیدوبندی از زندان‌های این گروه به شکل مجمع‌الجزایر بدرفتاری و ستم است که در آن شورشیان احکام خودسرانه خود را بر هموطنان افغان‌شان که اغلب از بزرگ‌راه‌ها به شکل خودسرانه توسط جنگ‌جویان این گروه اسیر می‌شوند، اجرا می‌کنند. طالبان اکثراً به دنبال اسیر کردن سربازان و کارمندان دولتی هستند. حکومت نیز به بدرفتاری در زندان‌های تحت کنترلش متهم شده است و سازمان ملل متحد اخیراً دریافته است که تقریباً یک-سوم زندانیان ارتش افغانستان شکنجه شده‌اند.

در زندان‌های طالبان، اسرا در سلول‌های موقت نگهداری می‌شوند، سلول‌هایی که یک روز خانه‌ای مخروبه در یک روستا و روزی دیگر، ساختمان مسجدی در روستای دیگر است. این چرخه ادامه دارد. بدون این‌که اسرا بدانند اسارت‌شان چه مدت دوام خواهد داشت. این رویکرد هر چیزی دارد الا قضاوت عادلانه.

سید حیات‌الله، مغازه‌دار ۴۲ ساله در شهر فیض‌آباد می‌گوید: «در خواب مدام سراغم می‌آید.» طالبان او را سال گذشته به اتهام دروغین همکاری با دستگاه امنیتی دولت اسیر کرده بودند. او ۲۵ روز در قید طالبان به سر برده است. او می‌گوید: «از خواب می‌پریم و جیغ می‌کشیم. آن [۲۵ روز] تاریک‌ترین و تلخ‌ترین دوره زندگی‌ام بود. شش ماه در شوک بودم.» عتیق‌الله حسن‌زاده ۳۱ ساله، سربازی است که سال گذشته حین انتقال به شفاخانه نظامی در کابل، در مسیر راه اسیر شده بود. او که روی کف اتاق خانه‌اش نشسته می‌گوید: «من خاطرات خود را ۱۰۰ درصد به یاد دارم. هر ثانیه و هر دقیقه‌اش را. مرا در ناحیه پشت ران و شانهم مورد لتوکوب قرار دادند.»

فیض‌آباد شهری در شمال افغانستان و مرکز ولایت بدخشان است. این شهر خانه بسیاری از زندانیان سابق طالبان است. زیرا شورشیان این گروه بسیاری از جاده‌های منتهی به فیض‌آباد را تحت کنترل دارند. سفر در این جاده‌ها به معنای عبور از ایست‌های بازرسی طالبان و قرارگرفتن در معرض خطر اسارت به دست جنگجویان این گروه است.

در فیض‌آباد روش طالبان این است که ابتدا فرد موردنظر را زندانی و مجازات کنند و بعد بازجویی‌اش کنند. هیچ قاضی و دادگاهی در کار نیست. روستاییان محلی مجبورند غذای طالبان و زندانیان را تهیه کنند. درحالی‌که هزاران افغان به این روش بازداشت شده‌اند، اما هیچ آماري وجود ندارد. نیروهای ویژه افغان می‌گویند که آن‌ها اخیراً بیش از ۴۰

لتوکوب و سایر انواع شکنجه متکی است. به اصطلاح جرایمی که از جانب طالبان سیاسی تلقی می‌شود، مانند کار با حکومت افغانستان یا جنگیدن در صف حکومت افغانستان، در سطحی دیگری مورد رسیدگی قرار می‌گیرد. طالبان برای چنین جرایمی دادگاه برگزار نمی‌کنند. دیدبان حقوق بشر می‌گوید که فرماندهان طالبان اختیاط مطلق دارند که «هرکسی را که مشکوک بدانند دستگیر کنند.» محمد امان ۳۱ ساله، انجنیری است که با حکومت کار می‌کند. او می‌گوید که بعد از ظهر یک روز ماه نوامبر سال گذشته موترش در شاهراه غزنی-کابل توقف داده شد. طالبان او را دست‌بند زده و به مسجد منتقل کردند. او می‌گوید: «حدود ۱۰ یا ۱۱ نفر دیگر نیز بودند که داخل مسجد به یک زنجیر بسته شده بودند.» آقای دانشجو، که در مسجد دیگری نگهداری می‌شد، می‌گوید: «صبح زود نماز می‌خواندیم. آن‌ها می‌آمدند و ما را لتوکوب می‌کردند. آن‌ها شاید برای پنج دقیقه با چوب بر پشت و بر دستان ما حواله می‌کردند.»

عبدالقادر شریفی ۲۵ ساله، که هنگام حمله جنگ‌جویان طالبان بر پایگاه ارتش، اسیر طالبان شد، می‌گوید: «یکی از آن‌ها ما را در حیاط مسجد شلاق می‌زد. فکر می‌کردم قصد کشتن مرا دارند.»

مرگ تهدید همیشگی است که گاهی اوقات حکمش جاری می‌شود اما بیشتر اوقات به عنوان ابزار چانه‌زنی ترساک برای به دست آوردن آنچه طالبان می‌خواهند، مورد استفاده قرار می‌گیرد. طالبان یا پول می‌خواهند، یا خواستار تبادل زندانیان می‌شوند یا با زور از اسرای شان وعده می‌گیرند کار دولتی‌شان را ترک کنند. اعدام عمدی اسرا نیز اغلب در روندی آهسته‌تر انجام می‌شود.

آقای محمدی در جریان اسارت پسرش نصرالله به دست طالبان سه بار همراه بزرگان روستا برای مذاکره در مورد آزادی پسرش در ازای آزادی زندانیان طالبان از چنگ حکومت، احضار شد. او توانست سه بار پسرش را در هنگام اسارت کوتاه مدتش نزد طالبان ببیند. او می‌گوید: «آن‌های سعی کردند بلندش کنند. اما او همی زمین می‌خورد.» در این صحنه طالبان سرش فریاد زده و گفته‌اند: «می‌بینی چه بر سر پست آمده؟»

روز بعد طالبان نصرالله را به خرابه‌ای منتقل کردند. تا روز نهم اسارتش او از هوش رفته بود. بدنش کثیف و پوشیده از ادرار و مدفوع بود. طالبان به آقای محمدی اجازه دادند پسرش را با آب سرد بشوید. اما دیگر خیلی دیر شده بود. آقای محمد می‌گوید: «او درحال مردن بود. آخرین باری که دیدمش در همان حیاط خانه مخروبه بود.»

پس از مرگ نصرالله، طالبان آقای محمدی را عذاب دادند. آن‌ها از او پرسیدند: «چرا گریه نمی‌کنی؟» آقای محمد می‌گوید: «در جواب شان گفتم: «تمی‌خواهم پیش درختان و سنگ‌ها گریه کنم.»»

او می‌گوید: «تنها گریستم.» روح‌الله حمید ۳۵ ساله پسر بزرگ‌تر آقای محمدی است که در کابل وکالت می‌کند و در تلاش نافرجام برای آزادی بردارش شرکت داشته. او می‌گوید: «هر روز ده‌ها افغان به دست طالبان می‌میرند. طالبان دشمن انسانیت هستند.»

آدام نویسیتز رییس دفتر روزنامه نیویورک تایمز در کابل است. نجیم رحیم از فیض‌آباد، تیمورشاه از قندهار و فاروق جان منگل از خوست در تهیه این گزارش کمک کرده‌اند.

زندانی را از زندان طالبان در ولایت بغلان آزاد کردند. این اتفاق در میان خبرگزاری‌های محلی یک اتفاق غیرمعمول نیست. وزارت دفاع افغانستان می‌گوید که روز دوشنبه ۲۳ نفر دیگر در ولایت کندوز از چنگ طالبان پس از «شکنجه شدید» توسط جنگ‌جویان این گروه، آزاد شدند.

تأثیر این بازداشت‌های خودسرانه وحشت روحی روانی است که گریبان‌گیر اسرا می‌شود. آقای حیات‌الله می‌گوید: «با گریه پیش‌شان عنبر کردم که مرا آزاد کنند. آن‌ها حتا بیشتر از قبل لتوکوب کردند.»

نقیب‌الله مومند، مجری ۲۶ ساله تلویزیون، سال گذشته درحالی‌که داشت به سمت خانه‌اش در ولایت قندوز سفر می‌کرد، به چنگ طالبان افتاد. او می‌گوید: «طالبان موترم را متوقف کردند و مرا بازداشت کردند. آن‌ها دست خود را روی سینهم گذاشتند تا ضربان قلب مرا بررسی کنند.»

از نظر طالبان ضربان سریع قلب یک اسیر نشان‌دهنده گناه‌کاربودن فرد است. آقای مومند در آن‌زمان خودش را مجبور کرد آرام بماند، اما با این‌وجود ۲۹ روز را در یک خانه دو اتاقه با ۲۰ نفر دیگر در اسارت طالبان سپری کرد. آن‌ها روی فرش کثیف روی زمین می‌خوابیدند، لامپ اتاق تمام طول شب روشن بود. بعد از ۲۹ روز طالبان متقاعد شدند که او عضو ارتش افغانستان نیست.

اسیرکردن فقط آغاز عذاب است. فرماندهان محلی اغلب بسیار جوان طالبان، هر طور که بخواهند با زندانیان‌شان رفتار می‌کنند.

فضل‌احمد آماج، میان‌جی سال‌خورده و نیمه‌رسمی در فیض‌آباد، شناخته‌شده‌ترین فرد در میان ۱۵ نفر در بدخشان است. او می‌گوید: «رفتار اعضای رده‌پایین طالبان بسیار بد است.» افرادی که بستگان‌شان اسیر طالبان می‌شوند، اغلب از آقای آماج کمک می‌طلبند. او از طریق مذاکره بین اعضای خانواده، بزرگان قبایلی و دادن پول به طالبان، ده‌ها نفر را از اسارت این گروه آزاد کرده است.

رحمت‌الله دانشجو، دانشجوی دانشگاه است که سپتامبر سال ۲۰۱۹ در مسیرش به سمت کابل در ولایت وردک توسط جنگ‌جویان طالبان اسیر شد. او می‌گوید که طالبان پس از متوقف کردن موتر حاملش، دست و پایش را زلانه کرده و به مسجد روستا انتقالش دادند. برای رحمت‌الله و سایر زندانیان، این مکان مقدس به سختی یک پناه‌گاه بود.

برای فرماندهان محلی این مسجد یک زندان ایده‌آل بود. «شلی جکسون»، از مدیران «مرکز مطالعه گروه‌های مسلح»، که به صورت گسترده درباره سیستم قضایی طالبان مطالعه کرده است، می‌گوید: «مسجد همان مکان مرکزی در روستا است. در بسیاری از روستاها، مسجد مترادف طالبان است. مسجد جایی است که آن‌ها اکتفا رفتاری‌شان را از آن‌جا روی مردم تطبیق می‌کنند.»

طالبان همچنین شبکه موازی‌ای از دادگاه‌های ملکی را اداره می‌کنند که در آن علمای دین در مورد اختلافات بر سر زمین و مشکلات خانوادگی قضاوت می‌کنند. این دادگاه‌ها که در آن حکم خیلی سریع صادر می‌شود، به خاطر کارایی‌اش نزد مردم نوعی شهرت کسب کرده است و بسیاری افغان‌ها خصوصاً در مقایسه با سیستم قضایی فاسد دولتی، از آن استقبال کرده‌اند. دادگاه‌های طالبان درباره موارد قتل و تخلفات اخلاقی و مذهبی نیز قضاوت می‌کنند. در این دادگاه‌ها تأکید بر «مجازات» است و به گفته گزارش دیدبان حقوق بشر در سال گذشته نظام قضایی طالبان «بر

هشدار ظریف به اروپا و آمریکا همزمان با جلسه شورای حکام آژانس و احتمال صدور قطعنامه علیه ایران

آن متفاوت است. حرف‌های خوبی زده شده است و ما هم آنها را شنیده‌ایم ولی تا عمل مشاهده نکنیم، سیاست خود را با براساس حرف تنظیم نمی‌کنیم».

آقای خطیب زاده گفته «تلخ است برجام توسط آمریکا و تیمی که درباره آن مذاکره کرد، در محاق نابودی است. تاریخ این مسئله را فراموش نمی‌کند».

به نظر می‌رسد اشاره وی به حضور افرادی از دولت باراک اوباما در دولت جدید این کشور تحت ریاست‌جمهوری جو بایدن باشد که در زمان مذاکرات منتهی به توافق هسته ای برجام، عضو تیم مذاکراتی ایالات متحده یا دست اندرکار آن بودند.

ایران انتظار دارد که ایالات متحده تحریم‌هایی را که در دوره ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ برقرار شده، رفع کند. جو بایدن رییس‌جمهور آمریکا، در زمان مبارزات انتخاباتی وعده بازگشت به توافق هسته ای را مطرح کرده بود اما پس از شروع ریاست‌جمهوری از ایران خواسته که ابتدا به اجرای کامل تعهداتش بازگردد سپس ایالات متحده تحریم‌ها را رفع کند. ایالات متحده می‌گوید این مقدمه ای برای یک توافق تازه است که مسائل تازه تری از جمله برنامه موشکی ایران را هم در بر بگیرد.

ایران این شرط را رد کرده و آیت الله علی خامنه‌ای، رهبر این کشور، گفته است که اول آمریکا باید تحریم‌ها را رفع کند و ایران پس از «راستی آزمایی» آن به اجرای کامل تعهدات مطابق توافق هسته ای برجام باز خواهد گشت.

با رد پیشنهاد اروپا برای نشست غیررسمی میان طرف‌های توافق و آمریکا و احتمال صدور قطعنامه در شورای حکام، به نظر می‌رسد که فضای امیدوارانه ای که مقام‌های دولتی ایران درباره رفع تحریم‌های آمریکا ترسیم کرده بودند در حال رنگ باختن است و چشم‌انداز روشنی ندارد.

حسن روحانی، رییس‌جمهور ایران، همزمان با آغاز به کار رییس‌جمهور جدید آمریکا گفته بود که از نظر او دوره تحریم «به سر آمده است».

ایران می‌گوید تحریم‌های دوره ریاست‌جمهوری ترامپ که هم اکنون هم ادامه دارد باعث سقوط درآمد ۱۰۰ میلیارد دلاری نفت به کمتر از ۸ میلیارد شده است.

این اقدام ایران با واکنش آمریکا و متحدین غربی آن کشور روبرو شد. فرانسه، بریتانیا و آلمان در بیانیه‌ای مشترک از تعلیق اجرای پروتکل الحاقی و محدود کردن بیشتر نظارت آژانس بر فعالیت‌های ایران به شدت ابراز تاسف کردند و درباره «ماهیت خطرناک» این تصمیم هشدار دادند.

ایران می‌گوید عدم اجرای وعده انتخاباتی «شرم برای دولت بایدن است»

هشدارهای ایران درباره قطعنامه احتمالی آژانس در حالی ابراز می‌شود که این کشور پیشنهاد اروپا برای گفت‌وگو با آمریکا درباره توافق هسته ای برجام را رد کرد. ایران می‌گوید با توجه به مواضع و اقدامات اخیر آمریکا و سه کشور اروپایی طرف توافق هسته ای، جمهوری اسلامی زمان را برای برگزاری جلسه غیررسمی با حضور آمریکا مناسب نمی‌داند.

سعید خطیب‌زاده، سخنگوی وزارت امور خارجه ایران، امروز در یک نشست خبری در تهران گفته است «این شرم برای دولت بایدن است که کارزار انتخاباتی با عمل

زمانی حداکثر سه ماه در اختیار آژانس بگذاریم اما هیچ دسترسی، بازرسی و اظهاریه پروتکلی قرار نیست صادر شود». آقای تاکید کرده است: «تا زمانی که تحریم‌ها لغو نشود، قرار نیست هیچ اطلاعاتی در اختیار آژانس قرار گیرد.»

او همچنین گفته «در صورتی که تحریم‌ها لغو شد، اطلاعاتی که در این مدت نگهداری شده را در اختیار آژانس قرار می‌دهیم در غیر این صورت اطلاعات بعد از سه ماه از حافظه دوربین‌ها حذف و ثبت اطلاعات متوقف خواهد شد.»

بیشتر رسانه‌های غربی گزارش‌هایی از پیش‌نویس قطعنامه‌ای را منتشر کرده بودند که در میان اعضای شورا توزیع شده و در آن آمریکا اعتراض خود را تشریح می‌کند و از ایران می‌خواهد به طور کامل با بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی همکاری کند.

دولت ایران بنا بر قانون مصوب مجلس، به دنبال ادامه تحریم‌های یکجانبه آمریکا از سه شنبه (۲۳ فوریه برابر با ۵ حوت) اجرای پروتکل الحاقی را، به عنوان مبنای نظارت بیشتر بازرسان بر فعالیت‌های هسته‌ای متوقف کرد.



اولین سخنرانی ترامپ پس از ترک کاخ سفید؛ انتقاد از سیاست‌های دولت بایدن و رد تأسیس حزب جدید

موج قاچاق کودکان و قاچاق انسان و قاچاق مواد مخدر به کشور را موجب شده است.»

ترامپ با انتقاد از سیاست‌های بایدن گفت که جمهوریخواهان باید دولت بایدن را بابت سیاست‌های افراطی مهاجرت پاسخگو کنند چرا که «قراردادهای مهاجرت دولت قبلی با هندوراس و دیگر کشورهای آمریکای لاتین را لغو کرد.»

رییس‌جمهور سابق آمریکا سپس گفت که دولت، با بسته نگه داشتن مدارس، دانش‌آموزان آمریکایی را به اتحادیه آموزگاران فروخته است، و خواستار بازگشایی فوری مدارس شد.

او سیاست‌های دولت بایدن در بخش انرژی را نکوهش کرد و گفت این سیاست‌ها منجر به وابستگی به روسیه و خاورمیانه می‌شود و با اشاره به افزایش قیمت بنزین در آمریکا پس از انتخابات، پیش‌بینی کرد که قیمت انرژی در آمریکا صعود کند.

دونالد ترامپ در آخر گفت: «جمهوریخواه بر مبنای عشق به آمریکا بنا شده است. ما می‌گوییم قانون اساسی همانی است که نوشته شده است. حزب دموکرات می‌خواهد قانون اساسی را عوض کند.»

او گفت با این حال دولت بایدن اعتبار تولید واکسن را به خودش نسبت می‌دهد و «تنها کاری که می‌کند، اجرای برنامه‌ای است که ما تدوین کردیم.»

دونالد ترامپ همچنین، جو بایدن را به دلیل مسائل مختلفی چون بحران‌آفرینی در مرزهای آمریکا تا سیاست خارجی نکوهش کرد. ترامپ گفت: «اولین ماه ریاست‌جمهوری جو بایدن بیش از هر رییس‌جمهور دیگری در عصر مدرن، فاجعه‌بار بوده است.» او گفت: در یک ماه کوتاه ما از «اول آمریکا» به «آخر آمریکا» رسیدیم.

ترامپ بار دیگر بر وقوع تقلب در انتخابات اخیر ریاست‌جمهوری آمریکا تاکید کرد و گفت: «دموکرات‌ها از ویروس چینی برای تغییر مقررات انتخابات استفاده کردند بدون آن که مجبور باشند از سلسله مراتب قانونی عبور کنند.» او گفت که حزب جمهوریخواه باید برای اصلاح قوانین انتخابات تلاش کند.

ترامپ در این سخنان دولت بایدن را به ناامن کردن مرزهای کشور متهم کرد و گفت «بایدن در اولین فرصت مقررات منع سفر از کشورهایی با مشکلات تروستی، مثل لیبی، یمن، سومالی و سوریه را برداشت

ترامپ در ادامه گفت که اکنون بیش از هر زمان دیگری اصول و مرزها و منافع ملی آمریکا در خطر است.

او گفت: «می‌دانستیم که دولت بایدن بد است، ولی نمی‌دانستیم تا این حد بد است. تصمیم جو بایدن در باز کردن مرزها و حذف مقررات امنیتی و کنترل مرزی،

اطلاعات روز: محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه ایران، در آستانه اجلاس شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی هشدار داده است که «پی‌گیری قطعنامه علیه ایران در شورای حکام باعث به‌هم‌ریختگی شرایط کنونی می‌شود.»

به گزارش بی‌بی‌سی فارسی، وزیر خارجه ایران پس از حضور در کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس این کشور گفته است «حرکت غلطی را اروپایی‌ها با حمایت از آمریکا در شورای حکام شروع کرده‌اند، فکر می‌کنیم این حرکت باعث به هم ریخته شدن شرایط خواهد شد. به هم ریختگی شرایط کنونی را از طریق سفیر ایران در وین به همه اعضای شورای حکام توضیح داده ایم، امیدواریم عقل غلبه کند و اگر چنین نشود راهکارهایی داریم.»

شورای حکام آژانس در وین قرار است امروز درباره گزارش‌های مدیرکل درباره افزایش تولید اورانیوم غنی شده و کاستن از همکاری‌های با آژانس را بررسی کند. گزارش‌هایی در روزهای اخیر مبنی بر آماده شدن اعضای شورای حکام برای صدور قطعنامه علیه ایران منتشر شده است.

پیش از این علی اکبر صالحی، رییس سازمان انرژی اتمی ایران، گفته بود در صورتی که شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی درباره توقف پروتکل الحاقی توسط ایران قطعنامه‌ای صادر کند، جمهوری اسلامی «واکنش مناسب» از خود نشان خواهد داد.

ایران می‌گوید چنین اقدامی باعث از بین رفتن توافق اخیر با آژانس برای فعال ماندن دوربین‌های نظارتی آژانس تا سه ماه آینده خواهد شد. بر اساس این توافق در صورتی که تحریم‌های آمریکا لغو شود، ایران به آژانس اجازه دسترسی به محتوی این دوربین‌ها را خواهد داد. در غیر این صورت گفته که اطلاعات آن را از بین می‌برد. در همین رابطه نیز امروز بهروز کمالوندی، سخنگوی سازمان انرژی اتمی ایران، گفته است که کشورش به تفاهمی با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در چارچوب حفظ برخی اطلاعات مشروط به لغو تحریم‌ها و بازگشت ایران به تعهدات صورت گرفته «که در فاصله

اطلاعات روز: دونالد ترامپ، رییس‌جمهور سابق آمریکا، شامگاه یکشنبه برای اولین بار پس از ترک کاخ سفید در اجلاس سالانه اقدام سیاسی محافظه‌کاران در اورلاندو فلوریدا سخنرانی کرد.

به گزارش ایران اینترنشنال، ترامپ در این نطق که حدود یک ساعت و نیم طول کشید، گفت: «اگر انتخابات عادلانه برگزار شده بود، نتایج متفاوت بود و در اولین هفته می‌توانستیم به توافق جدیدی با ایران برسیم.» ترامپ همچنین قراردادهای تاریخی صلح در خاورمیانه و همچنین استقلال آمریکا از نظر انرژی را از دیگر دستاوردهای دولت خود خواند. او در جای دیگری از سخنانش در انتقاد از سیاست خارجی دولت بایدن، از تسهیل تحریم‌های ایران انتقاد کرد.

رییس‌جمهوری سابق آمریکا، درباره لزوم حفاظت از آزادی بیان، گفت: «غول‌هایی چون گوگل، توئیتر و فیسبوک اگر صدای محافظه‌کاران را خاموش کنند، باید مجازات شوند.»

دونالد ترامپ همچنین تاکید کرد که دولت‌ش با سرمایه‌گذاری میلیاردها دلاری در تولید واکسن کووید «کاری کرد که معمولاً چندین سال طول می‌کشد.»

اطلاعیه تصمیم اعطای قرار داد

بدین وسیله به تاسی از فقره (۲) ماده چهل و سوم قانون تدارکات به اطلاع عموم رسانیده میشود. (شفاخانه عاجل این سینا) در نظر دارد، قرار داد (هشت قلم تکه باب) را به شرکت (تابش پریان ، دارنده جواز نمبر ۳۹۰۷۳ آدرس شهرنو کوچه مرغ‌ها به قیمت مجموع مبلغ) ۹۱۵۰۰۰ (نصد و پانزده هزار افغانی اعطا نماید. اشخاص حقیقی و حکمی که هر گونه اعتراض در زمینه داشته باشند، می‌توانند اعتراض خویش را از تاریخ نشر این اعلان الی هفت روز تقویمی طور کتبی توام با دلایل آن به شفاخانه عاجل این سینا واقع پل آرتل سینمای پامیر وفق احکام ماده پنجاهم قانون تدارکات ارایه نمایند. این اطلاعیه به معنی عقد قرار داد نبوده و الی تکمیل میعاد فوق الذکر و طی مراحل قانونی بعدی، قرار داد منعقد نخواهد شد.

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: ذکی دریابی zaki.daryabi2@gmail.com

سردبیر چاپی: م. علی جاوید مالکی ۰۷۰۲۲۷۷۵۰۶

سردبیر آنلاین: اللیاس نواندیش

گزارش‌گران و خبرنگاران: ایوذر ملک‌نژاد، جلیل رونق، خادم‌حسین کریمی، سهراب سروش، عابر شایگان، عبدالواحد حیدری، عصمت‌الله سروش، لطف‌علی سلطانی، لیاقت لایق، هادی خوشنویس و واجد روحانی

مترجم: جلیل پژواک

ویراستار: شیر مهربار

صفحه آرا: رضا مظفری

ارتباطات و روابط عمومی: محمدحسین جویا شماره تماس: ۰۷۹۷۴۳۵۷۷۷ - ۰۷۶۷۱۵۲۰۶۲ mjoya.dailyetilaatroz@gmail.com

ایمیل: dailyetilaatroz@gmail.com

آدرس: کابل، کارته‌سه شماره تماس: ۰۷۲۹۱۱۹۵۵۱ - ۰۲۰۲۵۰۰۱۸۷ توزیع: کانون فرهنگی زنگ صبح ۰۷۴۴۰۲۱۹۵۲

جاویدان هزمندی که آثارش به جای آویخته شدن بر دیوار نمایشگاه‌ها سر از کیسه‌های نان خشکی درمی‌آورد

آغوش گشاده‌ی او بود و دل بزرگ او در یک طرف و جهانی بی‌مهری و نارفتنی در یک طرف و تا لحظه‌ای که چراغ زندگی‌اش خاموش نشد هرگز سر خم نکرد در برابر پستی و پلشتی و همان‌طور بزرگوار و بخشنده زندگی کرد که می‌خواست و از این بابت لاف‌ل خوشحالم.

شکریه عرفانی

مرگ روی دیگر زندگی است و آن‌ها که جاویدان را از نزدیک می‌شناختند به نیکی می‌دانند که او همچنان که همواره به روی زندگی با تمام دردهایش لبخند می‌زد و هیچ وقت جدی نمی‌گرفت، از رویه‌رو شدن با مرگ هم واهم‌های نداشت. اما آنچه دردناک است آن غریبی استخوان‌سوز است که همواره سایه به سایه و شانه به شانه همراهی کرد این مرد را در تمام طول زندگی‌اش، تا لحظه‌ای که بر تخت بیمارستان در آن ملک غریب جان داد. جاویدان، هنرمندی بذات و انسانی چندان جوهرمند و نیکوسرشت که شبیهش را یافتن اگر ناممکن نباشد امری است بس دشوار! اما آن غریب که دست در دست بیماری‌ها و دیگر مشکلات پایان‌ناپذیر زندگی‌اش داشت هیچ وقت به او آن مهلتي که آرزوی او را داشت، نداد تا بتواند با فراغت و به تمامی به یگانه عشق زندگی‌اش که نوشتن بود، بپردازد و آن‌طور که سزاوار قلمش بود دیده و شناخته شود.

نمونه‌ای از این ناکامی‌های بی‌پایان که خود شاهدش بودم، باری بود که در یکی از سفرهایم از روسیه به ایران، به دعوت یکی از شاگردان قدیمی‌ام به خانه‌اش رفتم و در کمال ناباوری کارهای جاویدان را بر در و دیوار خانه و حتی آشپزخانه‌ی این خانم دیدم. بیشتر کارها بدون قاب به دیوار میخ یا چسب زده شده بودند و شرایط بسیار بدی داشتند. بعضی رنگ‌باخته، بعضی کاغذهای‌شان پاره و بعضی نم‌دیده و در حال نابودی بودند.

تعدادی‌شان را در سفر قبلی‌ام در خانه‌ی دایمی دیده بودم. درباره‌ی بعضی‌های‌شان با هم حرف زده بودیم. نظر داده بودیم و خودم شاهد خلق‌شان بودم وقتی که او در آن حال خلسه‌مانند می‌نوشت و من از بوی مرکب و صدای کشیده‌شدن قلمش بر کاغذ کیف می‌کردم. دور و دست‌نیافتنی می‌شد او در هنگام نوشتن. انگار که از تمام دنیا کنده شده باشد.

اما چه می‌کردند آن کارها بر آن دیوارهای غریبه؟



کارهایی که آن‌قدر مراقب‌شان بود دایمی و وسواس داشت در نگهداری‌شان؟ از آن خانم پرسیدم این خط‌ها کار کیستند؟ شانه بالا انداخت و گفت: نمی‌دانم. کار یک هنرمند دیوانه لابد. یک آدم روانی که معلوم نیست به چه دلیلی دوشان انداخته است و گفت که شوهرش که خطاطی دوست دارد و گاهی هم می‌نویسد آن‌ها را روی گاری نان‌خشکی یک دوره‌گرد دیده. دلش سوخته به حال‌شان و به قیمت ناچیزی خریده آن‌ها را از او و با خود به خانه آورده است.

ناگهان حس کردم نمی‌توانم نفس بکشم. همه‌ی آن کارهای در حال نابودی که از کیسه‌ی نان‌خشکی و بعد از خانه‌ی یک غریبه سر درآورده بودند بخشی از مجموعه‌ای بود که دایمی مدتی طولانی روی‌شان کار کرده بود. می‌گفت دارم یک دوره روی شعرهای شاعران معاصر کار می‌کنم. یادم هست که با چه دقتی ابیات را انتخاب کرده بود. با هر آنچه داشت، کاغذهای مرغوب خریده بود و برای هر تابلو از جان مایه گذاشته بود. من که دیده بودم و می‌دانستم با چه خون دلی نوشته شده بودند آن کارها حالا چطور می‌توانستم در آن وضعیت ببینم‌شان و نفس بکشم؟ چند ماه قبل از آن روز در آن خانه، سفری ناگهانی برای دایمی پیش آمده بود به افغانستان که باید می‌رفت.

به هیچ نمایشگاهی نرسید و حسرتش برای همیشه به دل دایمی ماند!

و این فقط یک نمونه از همه‌ی غریبی‌ها و ناکامی‌های جاویدان بود که از جانب خویش و قوم و دوست و آشنا نصیبش می‌شد و با این حال او هرگز از کسی خشمی به دل نگرفت. هرگز پیشانی به روی کسی ترش نکرد. بخشید و پذیرفت و لبخند زد. به غریب لبخند زد. به تنگدستی لبخند زد. به بیماری لبخند زد و با آن خواب آرام سرانجام به مرگ هم لبخند زد. در این سال‌های اخیر خانه‌اش در لواسان تهران جان‌پناه و خلوتگاه بسیاری از این دوستان به قول خودش فرهنگی بود. از تهران و قم و مشهد گرفته تا افغانستان و جاهای دیگر. خوی لطیف و مهمان‌نوازش همه را به خود می‌کشید و دلش خوش بود به همین دیدارها. می‌دانست که به جز تعداد انگشت‌شماری که یار درد و غمش بودند و البته در دربه‌دوری کمتر از خود او هم نه، خیلی‌های‌شان نه حرمت مهمان‌نوازی‌اش را می‌دانستند و نه خلوص رفاقتش را پاس می‌داشتند. اما او جاویدان بود. آغوش گشاده‌ی او بود و دل بزرگ او در یک طرف و جهانی بی‌مهری و نارفتنی در یک طرف و تا لحظه‌ای که چراغ زندگی‌اش خاموش نشد هرگز سر خم نکرد در برابر پستی و پلشتی و همان‌طور بزرگوار و بخشنده زندگی کرد که می‌خواست و از این بابت لاف‌ل خوشحالم.

آخرین باری که صدایش را شنیدم ساعتی پیش از مرگش بود. دو روز بود تلفنش را جواب نمی‌داد. بی‌تابی دیوانه‌ام کرده بود. در مکالمه‌ی قبلی گفته بود که دست‌هایم نرم شده‌اند. حس نمی‌کنم‌شان دیگر و بعد آن سکوت کرد. حس کردم دیگر دل کنده است از این دنیا. که دیگر بسش است. نگران بودم اما من برای دایمی. برای کسی که اولین کتاب‌های ادبیات را به دستم داده بود و تشویق کرده بود به نوشتن. کسی که همه‌ی این سال‌ها نوشته‌ها و نانوخته‌هایم را خواند و فهمید و دوست داشت. شاید نگرانی‌ام اصلا برای او نبود در آن لحظه که برای تنهاشدن شکر می‌بود نمی‌دانم! هر چه بود نمی‌توانستم و نمی‌خواستم ببینم که چشم‌هایش را می‌بندد و می‌رود. به شماره‌ی خاموش زنگ زدم. زنی صبور و بزرگوار که پا به پای این مرد سوخت و تباہ شد در این سال‌ها و خم به ابرو نیاورد. خواهش کردم گوشی تلفن را پیش دایمی ببرد تا یک دقیقه صدایش را بشنوم و اما صدای جاویدان بوی مرگ می‌داد! به سختی می‌توانستم تشخیص بدهم کلماتش را و به سختی می‌توانستم پنهان کنم اشک‌های خاموشم را از او. گویا هر دو می‌دانستیم که دیگر این‌جا آخر داستان است. از حرف‌هایش آن‌قدر فهمیدم که مثل همیشه بند دل دایمی صدایم کرد و گفت خوب شد زنگ زدی! حالا دو روز تمام است این آخرین جمله‌اش و آن همه غریب و تنهایی که در صدایش بود در گوشم می‌پیچد و می‌سوزاند.

تحلیل

گزینه‌های کاخ سفید برای «ضرب الاجل» ماه می

در چنین شرایطی که از یک سو توافق‌نامه دوحه شکننده است و از جانی هم زمینه خروج مسئولان امریکا از افغانستان تا ماه می فراهم نیست، تصمیم‌گیری برای اداره بایدن خیلی دشوار است تا نیروهای باقی‌مانده در روزهای آینده افغانستان را ترک کنند.

کنند.

پایان دادن به جنگ افغانستان در دستور کار اداره بایدن قرار دارد. اما در واقع زمان‌گیر است تا با استفاده از ابزار دیپلماسی طالبان به اجرایی کردن ضمانت‌ها، به ویژه کاهش خشونت‌ها و اعلام آتش‌بس که بر روند صلح و جنگ افغانستان اثر گذار است، وادار شوند. از سویی هم هنوز سوال‌های زیادی در مورد قطع روابط طالبان با القاعده وجود دارد و این رابطه در معادله ترک افغانستان به امنیت ملی امریکا خطر بالقوه محسوب می‌شود. از این لحاظ، تیم امنیت ملی جو بایدن ترک افغانستان را در چنین حالت خالی از خطر هم نمی‌داند و از پیامدهای آن که متوجه امنیت ملی امریکا خواهد شد، هشدار داده است. به همین دلیل است که اداره بایدن در قضیه افغانستان محتاطانه عمل می‌کند و در پی گزینه مناسب برای افغانستان است. رییس‌جمهور بایدن حتا در جریان مأموریت خویش به‌عنوان معاون رییس‌جمهور امریکا مخالف فرستادن نیروهای بیشتر امریکایی به افغانستان بود. از همین رو به موفقیت موافقت‌نامه صلح دوحه چشم دوخته است. اما آن‌چه که از موافقت‌نامه دوحه انتظار می‌رفت، ناخشنودی وی را بیشتر ساخته است و بازنگری موافقت‌نامه دوحه منجر به فشار بیشتر علیه طالبان خواهد شد.



این محدوده زمانی برآورده شود.

با این حال، اداره جو بایدن زیر بار این فشارها در حالی به سر می‌برد که امضای توافق‌نامه امریکا با طالبان به‌عنوان بخشی از این تلاش‌ها به جنگ افغانستان از طریق راه‌حل سیاسی، کارساز نبوده است و این توافق‌نامه زمینه خروج نیروهای باقی‌مانده امریکایی را از افغانستان هموار نساخت. حتا سبب درگیری‌های بیشتر شد و هنوز طرف‌های درگیر جنگ با کارگیری لحن جنگ به تمامیت‌خواهی و ادامه جنگ تأکید می‌ورزند. لذا در چنین شرایطی که از یک سو توافق‌نامه دوحه شکننده است و از جانی هم زمینه خروج مسئولان امریکا از افغانستان تا ماه می فراهم نیست، تصمیم‌گیری برای اداره بایدن خیلی دشوار است تا نیروهای باقی‌مانده در روزهای آینده افغانستان را ترک

دونالد ترامپ رییس‌جمهور پیشین امریکا پایان دادن به طولانی‌ترین جنگ این کشور را در جریان انتخابات اخیر زبان‌زد ساخت و به سرعت با طالبان وارد تعامل سیاسی شد. سطح نیروهای امریکایی را ناخشنودی‌های زیاد به مرز ۲۵۰۰ کاهش داد. حال جنگ افغانستان برای بایدن در حالی به میراث مانده که یک بخشی از سیاست‌گران امریکایی از کاهش حضور نظامی امریکا در افغانستان به‌عنوان یک راه‌حل سیاسی حمایت می‌کنند و از اداره جو بایدن انتظار دارند تا نظر به واقعیت در میدان جنگ افغانستان و منافع کلان امریکا تصمیم اتخاذ کند تا از یک طرف به طولانی‌ترین جنگ امریکا پایان داده شود و از سوی دیگر به خروج آبرومندانه امریکا از افغانستان کمک کند. اما بعید به نظر می‌رسد که چنین انتظارات در

فرید حلیمی

با نزدیک‌شدن به ماه می، تصمیم‌گیری در مورد خروج مسئولان امریکا از افغانستان برای جو بایدن دشوار شده است. آقای بایدن به‌جای به‌کارگیری گزینه نظامی، به کاهش حضور نظامی امریکا در افغانستان باور دارد و رسیدن او به کاخ سفید هم‌زمان با تلاش‌ها برای پایان‌دادن به طولانی‌ترین جنگ در تاریخ امریکا رقم خورده است. از همین‌رو، باید لحظه‌شماری کرد تا اداره بایدن در مورد خروج ۲۵۰۰ سرباز امریکایی از افغانستان براساس توافق‌نامه دوحه چه تصمیم خواهد گرفت.

جو بایدن به‌عنوان چهره محافظه‌کار به خروج مسئولان از افغانستان علاقه‌مند است. اگر پیشرفتی در مذاکرات قطر میان نمایندگان جمهوری اسلامی افغانستان و تحریک طالبان صورت نگیرد، احتمال اعمال فشار علیه طالبان به‌عنوان گزینه دوم زیاد است. هرچند، گزینه مقدم‌تر برای اداره بایدن و تیمش دیپلماسی برای موفقیت‌گفت‌وگوهای صلح دانسته می‌شود، اما تا حال این تلاش‌ها به خروج احتمالی امریکا از افغانستان تا ماه می، کمک نکرده است و از جانی هم افزایش خشونت‌ها روند اعتمادسازی و باورمندی به توافق‌نامه صلح دوحه را با کندی مواجه کرده است و بازنگری این توافق‌نامه مطرح است. با این وضع، دور از امکان نیست که نیروهای امریکایی پس از ماه می در افغانستان بمانند و حتا به تعداد آنان افزوده شود. به همین دلیل دولت افغانستان بر اعمال گزینه نظامی علیه طالبان از جانب امریکا امیدوار است و ترتیبات جنگ تمام عیار بهاری را علیه طالبان روی دست گرفته است.

جنگ افغانستان، طولانی‌ترین جنگ در تاریخ امریکا به شمار می‌رود و امریکایی‌ها به این باورند که نباید اشتباهات جنگ ویتنام در افغانستان را تکرار کنند و از جانی هم امریکا در پی حمله نظامی بر افغانستان و سرنگونی رژیم طالبان در پی آن اهداف که در افغانستان بود، آن‌را به‌دست آورده است. بنابراین،

مقرره‌ی مصرف کدهای احتیاطی ۹۱ پالیسی و ۹۲ اضطراری شفافیت خواهد آورد؟

همچنین در ماده‌ی هفتم این مقرره آمده است: وزارت مالیه مکلف است، گزارش مصارف مجموعی کدهای احتیاطی اضطراری و پالیسی را به گونه‌ی ربع‌وار به کابینه بفرستد و گزارش نهایی آن را شامل سند قطعیه کند. در فقره‌ی دیگر این ماده است: گزارش مصارف مجموعی کدهای احتیاطی حالات اضطراری و پالیسی از مصارف اداره‌ای که به آن تعدیل شده به‌طور جداگانه تهیه می‌شود.

این در حالی است که جزئیات کامل مصارف کد ۹۱ پالیسی در سال‌های مالی ۱۳۹۸ و ۹۷ با وجود درخواست مکرر، از دو سال به این سو رسماً در اختیار اعضای مجلس نمایندگان قرار نگرفته است. قرار است در این مورد کمیسیون مالی و بودجه‌ی مجلس نمایندگان نشست‌های خاص مشترک با سایر کمیسیون‌های مجلس داشته باشد. شماری از اعضای مجلس نمایندگان می‌گویند که گرچند حکومت به‌خاطر ایجادنشدن کمیسیون خاص حاضر شده است که جزئیات را ارائه کند اما تا کنون به گونه‌ی کامل ارائه نکرده است. این گونه با ادامه‌ی وضعیت مجلس نمایندگان در این موضوع کمیسیون خاصی را تشکیل خواهد داد. ایجاد کمیسیون خاص سال گذشته رای کافی از سوی اعضای مجلس نمایندگان گرفته است. این کمیسیون مسئولان حکومتی را در مصرف از کد ۹۱ پالیسی مورد بازخواست و پی‌گرد عدلی و قضایی قرار خواهد داد.

مقرره شفافیت خواهد آورد؟

شماری از کارشناسان حقوقی می‌گویند که در مقرره‌ی جدید، اصطلاحات «پالیسی» و سایر اصطلاحات همچنان مثل گذشته تعریف واضح ندارد. به گفته‌ی کارشناسان گرچند در این مقرره محدودیت‌هایی وضع شده اما طوری تهیه شده که راه را برای مصرف‌بی‌رویه از بودجه‌ی کد احتیاطی ۹۱ پالیسی همچنان باز گذاشته شده است.

محمداقاسم رحمانی، کارشناس امور حقوقی و قانون در کل از ایجاد مقرره در راستای قانونمندشدن رفتار مسئولان حکومتی استقبال می‌کند اما می‌گوید حکومت با وضع این نوع مقرره تنها به رفتاری که پیش از این غیرقانونی پنداشته شده رنگ و روی قانونی داده است. او به این باور است که اصطلاحات کلیدی در این مقرره تعریف واضح ندارد. این طوری راه مصرف‌بی‌رویه از کدهای احتیاطی به‌ویژه کد ۹۱ پالیسی را باز می‌گذارد. گرچند که شماری از محدودیت‌ها برای کد اضطراری وضع شده اما در مورد کد ۹۱ پالیسی این محدودیت‌ها وجود ندارد.

آقای رحمانی می‌گوید قانون زمانی مؤثر و قابل تطبیق است که واژه‌های آن تعریف واضح داشته باشد و بر مبنای یک سلسله معیارهایی باشد که براساس آن نهادهای نظارتی مثل پارلمان بتواند روند تطبیق آن را در کنترل داشته باشد. این معیارها در مقرره‌ی جدید که وضع شده دیده نمی‌شود و واژه‌ها وضاحت ندارد.



شده اما از این که مربوط به امور داخلی آن اداره است، ربطی به دیگران ندارد، آن را نشر نمی‌کنند. ظاهراً اداره‌ی امور ریاست‌جمهوری این لایحه را در رده‌ی اسناد محرم قرار داده است.

وجود این در مقرره‌ی جدید برخی از محدودیت‌ها در مصرف بودجه‌ی کد احتیاطی ۹۲ اضطراری وضع شده است اما در مورد مصرف از کد ۹۱ پالیسی وجود ندارد. به گفته‌ی کارشناسان این موضوع باعث می‌شود که مصرف از کد ۹۱ پالیسی همچنان بی‌قیدوشرط باشد و در نبود تعریف مشخص در اصطلاح «پالیسی» ممکن است همچنان از این کد مصرف‌بی‌رویه و غیرشفاف انجام شود. از این که به گفته‌ی کارشناسان، در کنار ابهام در اصطلاح «پالیسی» اصطلاح‌های «عاجل»، غیرقابل پیش‌بینی، اجتناب‌ناپذیر و غیرقابل تمویل» نیز در این مقرره تعریف واضح ندارد و مبهم است.

در مقرره آمده است که معاش کارکنان، مصارف اداری ادارات مربوط و مصارف سفر هیات مؤظف از کد احتیاطی حالات اضطرار قابل پرداخت نیست. این محدودیت برای کد ۹۱ پالیسی وجود ندارد. همچنین در مقرره آمده است، وجوه حالات اضطرار در حالات مربوط به اضطرار و ضرورت عاجل، جهت رفع مشکل متضرران این که وجوه آن شامل بودجه‌ی ادارات مربوط نشده باشد. این شرط و محدودیت نیز در مورد بودجه‌ی کد ۹۱ پالیسی در مقرره‌ی جدید وجود ندارد.

روش مصرف

براساس این مقرره، نحوه‌ی استفاده، طی مراحل پرداخت و سایر امور مربوط به مصارف کدهای احتیاطی اضطراری و پالیسی در لایحه‌ی جداگانه تنظیم می‌شود. اطلاعات روز این لایحه را از وزارت مالیه درخواست کرد اما این وزارت آن را در دسترس قرار نداد. فرید نوخت، امر مطبوعات این وزارت به نقل از مسئولان اداره‌ی امور ریاست‌جمهوری گفت که این سند تهیه

شده بودجه‌ی سال آینده شده نتواند. حالت غیر قابل پیش‌بینی حالتی است که وجوه آن حین ترتیب و منظوری در بودجه‌ی ملی پیش‌بینی نشده باشد. حالت اجتناب‌ناپذیر حالتی است که نظر به استعلاجیت، منصرف‌شدن یا تعویق آن به سال آینده ممکن نباشد. حالت غیرقابل تمویل حالتی است که به استثنای کدهای احتیاطی (ذخایر حالات اضطراری و پالیسی)، امکان تمویل آن از سایر وجوه منظور شده بودجه‌ی ملی ممکن نباشد.

در مقرره‌ی جدیدی که وضع شده، سقف بودجه‌ی کدهای احتیاطی (اضطراری و پالیسی) نیز محدود شده است. در ماده‌ی سوم این مقرره آمده است: وجوه کدهای احتیاطی حالات اضطراری و پالیسی از سه درصد مجموع بودجه‌ی ملی بیشتر بوده نمی‌تواند. همچنین وجوه کد احتیاطی اضطراری از ۵۰ درصد مجموع کدهای احتیاطی اضطراری و پالیسی کمتر بوده نمی‌تواند.

محدودیت‌ها

براساس مقرره‌ی جدید، بودجه‌ی کد ۹۲ اضطراری و ۹۱ پالیسی در بودجه‌ی ۱۴۰۰ هرکدام یک‌ونیم میلیارد افغانی تصویب شده است. همچنان براساس اصولنامه‌ی اجرای بودجه، این سقف محدود است و در جریان سال به آن مبلغی اضافه شده نمی‌تواند. همچنین براساس مقرره‌ی جدید، تعدیل از کد حالات اضطرار به کد پالیسی مجاز نیست.

این محدودیت‌ها در حالی است که پیش از این برخلاف مصوبه‌ی بودجه‌ی ملی، میلیاردها افغانی در جریان سال، بدون تأیید مجلس نمایندگان از سایر کدهای احتیاطی به کد ۹۱ پالیسی اضافه می‌شد. سپس از این کد عمدتاً به اهداف غیراصولی، شخصی، نامشخص و مبهم مصرف می‌شد. گزارش امسال اطلاعات روز نشان می‌داد که از آشپز ارگ ریاست‌جمهوری گرفته تا «شعبده‌بازان و هنرمندان» در قندهار، میلیون‌ها افغانی از کد ۹۱ پالیسی پول دریافت

لیافت لایق

پس از سال‌ها، برای اولین بار مقرره‌ی جدیدی به هدف تنظیم مصارف از کدهای احتیاطی ۹۱ پالیسی و ۹۲ اضطراری بودجه‌ی ملی از سوی کابینه‌ی حکومت تصویب شده است. این مقرره پس از آن تصویب و نشر شده است که اطلاعات روز در دو سال پی‌هم جزئیات مصارف از این کدها در سال‌های مالی ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ را با گزارش‌های تحقیقی افشاگرانه همگانی کرد. این گزارش‌ها با کنش‌ها و واکنش‌های شدید اعضای مجلس نمایندگان، رسانه‌ها، کارشناسان، نهادهای پژوهشی، مقامات دولتی و شهروندان روبه‌رو شد.

همگانی‌شدن جزئیات مصارف از کد احتیاطی ۹۱ پالیسی در دو سال پی‌هم بحث‌های اصولی و قانونی زیادی را در مجلس نمایندگان ایجاد کرد. از بحث ایجاد کمیسیون خاص نظارت از عملکرد حکومت گرفته تا لزوم برخورد قضایی با عاملان اصلی مصرف بی‌رویه از این کدها. این بحث‌ها تا کنون هم ختم نشده و در مورد جزئیات مصارف کد ۹۱ پالیسی در سال‌های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ تاکنون فیصله‌ی نهایی صادر نشده است. شماری از اعضای مجلس نمایندگان جزئیات مصارف از این کد با احکام رییس‌جمهور و رییس اجرائیه‌ی حکومت وحدت ملی را «حیف و میل و اختلاس بزرگ» می‌دانند که بر اثر آن مقامات دولتی به‌شمول رییس‌جمهور باید مورد پی‌گرد عدلی و قضایی قرار گیرند.

وضع مقرره‌ی جدید در حالی است که مسئولان وزارت مالیه می‌پذیرند، پیش از این هیچ چارچوب قانونی در مصرف از این کدها وجود نداشته است. پیش از این بودجه‌ی کد ۹۱ زیر نام پالیسی با فرمان‌های رییس‌جمهور بدون هیچ محدودیت و چارچوب مشخص مصرف می‌شده است.

پس از همگانی‌شدن جزئیات مصرف از این کد، اعضای مجلس نمایندگان، نهادهای پژوهشی و کارشناسان خواهان وضع محدودیت در صلاحیت رییس‌جمهور در مصرف از این کد هستند.

اکنون ضمیمه شماره ۱ مقرره‌ی تنظیم اداره‌ی امور مالی و مصارف عامه و ویژه‌ی تنظیم مصارف کدهای احتیاطی ۹۱ پالیسی و ۹۲ اضطراری وضع شده است. هدف وضع این مقرره در ماده‌ی اول آن چنین آمده است: «این ضمیمه به‌منظور مدیریت بهتر، شفافیت در مصرف و تأمین نظم مالی در کدهای احتیاطی (ذخایر حالات اضطراری و پالیسی) و تنظیم سایر امور مربوط به آن وضع شده است.»

در ماده‌ی چهارم این ضمیمه‌ی مقرره، موارد مصرف از کدهای احتیاطی «حالات اضطرار و پالیسی» مشخص شده است. در این ماده آمده است که بودجه‌ی این کدها به حالات عاجل، غیرقابل پیش‌بینی، اجتناب‌ناپذیر و غیرقابل تمویل مصرف می‌شود.

براساس ماده‌ی دوم مقرره: «حالت عاجل، حالتی است که از نظر زمانی، وجوه مورد ضرورت به شکل ضمیمه‌ی بودجه یا بررسی وسط سال و یا

فروش ویژه

شروع سال تحصیلی ۱۴۰۰ با کتاب‌های کمک آموزشی هشت پا ویژه کودکان و مکاتب از صنف اول الی صنف هشتم

انتشارات کودکان؛ ناشر پیشرو در انتشار کتاب و مواد آموزشی برای کودکان و مکاتب

فروشگاه مرکزی: کارن، کارن ۴، چهارمخیل بل سبز، مارکت تجاری ملی، مجتمع کتابستان منزل اول، انتشارات و فروشگاه کودکان
 ☎ ۰۰۹۹۹۹۹۹۹۹ - ۰۰۹۹۹۹۹۹۹۹
 ☎ ۰۰۹۹۹۹۹۹۹۹ - ۰۰۹۹۹۹۹۹۹۹

ادرس نمایندگی های ولایت:

- ☎ نمایندگی ۱: مزار شریف، جاده زینت‌الوجه، مارا ابراهیم، نزدیک مقرره مطبوعه، پوشتان فرهنگي گل فریا ۰۰۹۹۹۹۹۹۹۹ - ۰۰۹۹۹۹۹۹۹۹۹
- ☎ نمایندگی ۲: مزار شریف، نهادگاه بین المللی دانش کتاب معاد، مقابل کتابپوشی بهیفر ۰۰۹۹۹۹۹۹۹۹ - ۰۰۹۹۹۹۹۹۹۹۹
- ☎ نمایندگی ۳: هرات، جریبل، چهارده منری بالا، روی روی سوز کولا، کتابسرای جعفری ۰۰۹۹۹۹۹۹۹۹ - ۰۰۹۹۹۹۹۹۹۹۹
- ☎ نمایندگی ۴: هرات، چوک گها، جنب کتابخانه معلم، انتشارات فرهنگی ۰۰۹۹۹۹۹۹۹۹ - ۰۰۹۹۹۹۹۹۹۹۹
- ☎ نمایندگی ۵: میانان، بازار میانان، موز مارکت سوزی و سوزی، کتابپوشی معرفت ۰۰۹۹۹۹۹۹۹۹ - ۰۰۹۹۹۹۹۹۹۹۹